

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۷

پیکار

۲۰ صفحه

دوشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۵۸

بها ۲۰ ریال

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- حرفهای زحمتکشان از نشریات زحمتکشان
- خلق ها و مسئله ملی
- اخبار کشتار سندج
- راهپیمایی غذا میریایستی دانشجویان و دانش آموزان و حمله ارتجاع ۹
- زیرآگاهی خدا انقلاب و انعکاس یکما نبه آن در صف انقلاب
- گرمی باد یکدمین سالگرد تولد حیدر خان عمواوغلی (۲)
- حمله به میتینگ فدائیان را محکوم میکنیم
- بازم جنایت ارتجاع! (در باره اعدام برادران عسگری)
- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۶
- صفحه ۹
- صفحه ۱۰
- صفحه ۱۱
- صفحه ۲۰
- صفحه ۲۰

فلسطین - ایران : يك سنگر



گزارشی از مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب فلسطین در دانشگاه صنعتی شریف در صفحه ۸

انتخابات ریاست جمهوری و موضع کمونیستها

هیئت حاکمه آخرین مراحل "تثبیت و تحکیم" مبانی جمهوری اسلامی و "حکومت عدل الهی" را با سرعت خارق العاده ای که ناشی از ترس و وحشت بیحد آنها از موقعیت متزلزل و شکننده شان در متن اعتلای نوین انقلابی جامعه است، به پیش می برد. انتخاب رئیس جمهور و سپس انتخابات و تشکیل مجلس شورای ملی آخرین حلقه های این اقدامات "تثبیت کننده" و فواید بخشنده دستگاه حکومتی جدید است. انتخابات ریاست جمهوری، که رژیم اکنون در تلبوت با به سرانجام رساندن آن بصرمی برد، در شرایطی صورت می گیرد که نشانه های درونی هیئت حاکمه، به شدیدترین وجهی چهره خود را بقیه در صفحه ۲

"حذف بهره و وامها" يك رفرم بورژوائی در چهارچوب حفظ سرمایه داری وابسته

دو سال قبل با آغاز اعتلای انقلابی بوده... ای، همه شان بدان بودیم که توده ها چگونه خشم و نفرت خود را با حمله به بانکها و دیگر موسسات وابسته به رژیم سابق نشان داده و ثابت می کردند که بدرستی به نقش و اهمیت بانکها در استعمار خلق ها آگاهی دارند. در واقع باستانی گفت که سیستم بانکی در کشور وابسته ای چون کشور ما، با مرتبط کردن رشته های مختلف سرمایه داری از قبیل سرمایه داری صنعتی، بقیه در صفحه ۱۹

قطع مذاکرات صلح در کردستان و نوطنه های جدید هیئت حاکمه

هدف هیئت ویژه دولت در کردستان، بوجود آوردن یک قطب سازشکار از جریانهایی بورژوائی ارتجاعی در کردستان و سپس معامله با این قطب بر سر منافع خلق کرد است. صفحه ۶



دهقانان مبارز امیرآباد گزارشی از مبارزات دهقانان روستای "کجلده" از توابع آمل صفحه ۲

بار دیگر دعوی ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

در صفحه ۲



- راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران
- سندیگای پروژه های آبادان و حومه ای
- تحصن کارگران بیکار قزوین
- و تحریکات حزب جمهوری اسلام
- از کارگران بیکاری اکریل (اصفهان)
- متحصن در اداره کار حمایت کنیم
- حرکت پیروزمندانه دیگری از کارگران کارخانه عبیدی
- گزارشی از تجمع و راهپیمایی کارگران بیکار تهران
- پیروزی کارکنان صنعت نفت و عقب نشینی مفتضحانه رژیم
- گفتگویی بایکی از کارگران کارخانه پونز

در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بار دیگر دعوی ولایت فقیه و خیانت لیبرالها

سازید که در جریان تاریخ روز جمعه قم و تبریز ، غور و سوزی بوده ها در مسیری کا ملا نحرافی بکار گرفته شدند . همچنانکه ما در حوادث قبلی تشریح سرانجام کرده ایم این فسیل حوادث " قبل از آن کدسانی از مبارزان انقلابی خلق ترک بر علیه خم طبعی و ولئی دانند شد . ناشی از تفاهد ها و درگیری های طبقات حاکم است که اکنون بر سر سینه در همی منان قدرتمندان مذهبی خود را بر نفا با دودراس سنی بوده و وسیعی از مردم با آکا در آلت دست خود بسیار د" . آری ، بورژوازی ای خمینتلاسی میگرداند از رسیدن قدرت از خواسته های خوددها سو استفاده نماید . خلقی ترک محمود دیکر خلفها ، در زمان سلطنت پهلوی بعد سیمینا عفت طبعی و ملی قرار داده است این خلق دلاورد ، بنا بر دین و عقیده رژیمها خانی و محمد ربا می ، بحق سید انقلاب متروکیت را خمینت حفظ کرده و همواره در ویرانی و سرس خلفها در برابر ریزش غلبد امیرا لیسیموارنخا عتوده است . طبق ترک کد در اغلای احزاب ایران نقش سرانی دایم است ، پس از قیام پنجم مناه تدریجی مناهده میگردند که ارواح سدهای عادلانه خود بسیار در وراثت و هیئت حاکمه جدیدا حفظ مثلا امیرا سدهای و اسند ، با سموت رساندن بزایون " اساسی اریخا عی خیرکان ، حقوق وی را نیز همچون دیگر خلفهای ایران رسوا کرده اند و در ویرانی و رحمگمان فرا کرده است . در خمینت برانگی لیسرا لیبائی ملت طلب دسرور آید - لاند بر سندهای کد اکنون اس لیسرا لیبائی و جاسوسی خطر امرا عادی وحشی خمینی از بورژوازی وابسته در ترکیت حمایت خود گرفته است . سبک رسویدنا با یکدیگر مروج نارها سنی بوده های ترک از رژیم فعلی ، سهمی در قدرت سدا کند . ما با حسی وضعی در مبارزه خلق های دیکر و خمینت خلق بلوچ سر موجه همیم . یعنی بدلیل عدم آگاهی خوددها و سیدو سا زمان - های تفرقه در انقلابی در ایستکونه مناطق ، ارتخا و لیسرا لیبائی محلی عمی دار سدا قدرت ناشی و سیدو سحر خیرک مردم با آکا کد از رژیم حاصر نارائی خمینت رژیم وار د معا ملت خود همیم اکنون دیکر سردی اس حامی سنا حه سده امیرا لیسیم در بلوچسان سکریم احام خمینت معا ملدی با خانی و مولوی ها و ارتخا بلوچ و سیاسی اس و در کسریهای دهه هفتده سبب زایدان سرار همیم سوده ها و سنا ه به دز کسری کتای احصر مونسیر دارد . آنچه در این منان سمنی کمنده است میزان و اهمیتی است که سروهای اغلای در اس مناطق بکار سنا سنی - سکملاتی در مان سوده ها مدهند . تنها از اسطرخ و سبب خلق سدور زمانهای راستن اغلای است که سمنو سبب خلق را از زیر پای و بر طنا سزا حکم بدر آوریم و آنرا در امیسر سازد خدا میرا لیبائی و فدا ارتخا عی رهبری سنا سیم .

بقیه از صفحه اول

انتخابات ریاست جمهوری و...
تعیان ساخته است . تفاهدهای که البته خود اشکار بر شد جنبش انقلابی در جامعه ، ناهمگونی - های بسیار در درون هیئت حاکمه میان جناحهای مختلف آن ، بحران عظیم اقتصادی - اجتماعی و در هم ریختگی فزاینده اقتصاد دورگشته و بونالین سرما به داری وابسته ایران است . این تفاهدها و درگیریهای " بالا " کد بر پرستو آن عنا مروجناح معینی از بورژوازی شرکت کننده در هیئت حاکمه هر روز رسوا تر شده و جهره کشیفشان بیش از پیش از پرتده خیانت به انقلاب و خدمت به امیرا لیسیم بیرون می افتند ، نمی تواند بر فضای انتخابات ریاست جمهوری سنگینی نکند ، عنا مروجناحی که در طی این ۹ ماهه بیزا را ملی قدرت سیاسی را ، در ساسه نفوذوا اعتبار رهبران روحانی ، در دست خود متمرکز نموده بودند و رژیم را با سرعت شگفت آوری به سوی وابستگی تمام عیار به امیرا لیسیم می - تا ناندند و به همان سرعت زیر پای کسل هیئت حاکمه را که بر پاهای به توهم و اعتماد دما دقا نه توده - های نا آگاه مردم گشگل گرفته بود ، خالی میگردند . در واقع رژیم ، در شرایطی به این انتخابات دست می زند که مجبور شده است برای نجات کسل حاکمیت خود و سیستم موجود به قربانی شدن عناصری از جناح های بورژوازی هیئت حاکمه ، رضایت دهد . و در اس منان نیز دست بر روی عنا صر کشفی چون امیرا نظام ها ، نزیه ها و ... که تا دیروز عنا صر " پاک " و " مومن " دولت موقت بازرگان ، نخست وزیر محبوب آیت الله خمینی بودند ، انگشت گذاشته است . دانسته این درگیری ها و تفاهدها تا کنون بدانجا کشیده شده که " هیئت آزادی " ، این حزب سیاسی راست ترین جناحهای بورژوازی لیبرال را نیز در کام خود فرو برده است . و " اساد " خیانت آنرا - خیانتی که در عرصه فعلی های سیاسی این حزب از ابتدا تا کنون و بخصوص در طی دو ساله گذشته از لایلهای موانع سیاسی آنها مشهود قابل رویت بوده است - بتدریج بر ملا می گردد . این انتخابات همچنین در شرایطی صورت می گیرد که در تمام مراحل پیشین " تثبیت " رژیم جمهوری اسلامی ، (از رفرا ندوم رژیم جمهوری اسلامی تا رفرا ندوم قانون اساسی) ، ما تا هدر و ریختن تدریجی جوامع اعتماد طمینیان سوده ها به قدرتمندان کنونی هستیم ، که هر در مد جمعیت شرکت کننده برای دادن رای در هر یک از اس مراحل گواه اس مدعا ست و حتی آمار خود رژیم نیز بخوبی اس که هر را نشان میدهد . ۹۸٪ جمعیت شرکت کننده در رفرا ندوم جمهوری اسلامی (طبق آمار خود رژیم) به ۱۰٪ در صد در انتخابات ثورا ها ، و حدود ۷۳٪ در رفرا ندوم قانون اساسی می رسد (این آمار خود رژیم است ، در مورثیکه واقعت موجود یک حساب سر - انگشتی نشان می دهد که بیش از ۵۰٪ حاکمیت سیاسی شرایط شرکت در انتخابات از شرکت در رفرا ندوم خودداری کردند) . چنین کا هنی در فوا مل کونا ه ما نسی ،

سرعت فروریختن توهمات مردم به رژیم و شتاب سقوط ارتخا در سراسر اشیا افراد را به خوبی نشان میدهد . واکنش درمشتن چنین شرایطی رژیم در حد است تا هر چه زودتر ایسن انتخابات را به شمر برساند . زمان تعیین شده برای اجرای این انتخابات ، یعنی حدود ۱۰ روز برای معرفی کاندیداها (۲۹ آذر ماه شا ۸ دیماه) و ۲ روز برای تبلیغات و فعا لیت های انتخاباتی (کاندیداها ۱۵ دیماه از طرف وزارت کشور معرفی می شوند و پنجم بهمن ماه روز انتخابات است) - که حتی در قیاس با مدت زمان این انتخابات در کشور های امیرا لیبستی همچون آمریکا ، بسیار محدود و نا چیز است - این تلاش برای سر هم بندی کردن انتخابات با تهراس و وحشت از کا هنی روزا فزون شده است " رای دهندگان " را بخوبی نشان میدهد . چرا که حتی در کشوری امیرا لیبستی مثل آمریکا ، لااقل برای حفظ ظاهر فریبنده ، نظام دموکراسی بورژوازی ، و دموکراتیک جلوه دادن انتخابات حدود چند ماه قبل از انتخابات به فعا لیت های انتخاباتی و تبلیغاتی کاندیداها " اختصاص " می یابد . درمشتن این شرایط ، که بطور کلی بدانان اغاره کردیم ، تعیین دقیق اینکه چه کسی از عنا صر وابسته به هیئت حاکمه و جناح های رفیق بر مستند ریاست جمهوری تکیه زند و چه نتایج بر این انتخابات مترتب است ، از پیش امکان پذیر نیست . اما از لوا هد موجود میتوان نکاسی را پیش بینی نمود ، یکم اینکه ، شور و شوق مردم برای شرکت در این انتخابات با زهم کا هنیس خوا هدا بقا ت و به احتمال زیاد میزان جمعیت شرکت کننده در انتخابات در همان حول و حوش رفرا ندوم قانون اساسی خواهد بود . رسوائی - های اخیر و بی دینی عناصری از هیئت حاکمه که مردم در گذشته بدلیل نا آگاهی و توهم نسبت به رژیم به آنها اعتماد داده شده اند در کا هنی این شور و شوق تا ثیرات منفی دارد . تردیدی نیست که موضع گیری نیروهای انقلابی و کمونیستی در قبال این انتخابات نیز در اینجا موثر است و می توان بدر کا هنی با فرایش اس میسرا ن تا شرا ت محسوس داشته باشد . اگر نیروهای اغلای دموکرات و کمونیستها می توانستند (و با بتوانند) جنبه وسیعی در برابر اس انتخابات ، برای افشا و طرد آن ، بگنایند . دامنه کار آکا هگرا نه خود را به منظور پاره کردن رشته های اعتماد دولتیستی سوده ها به انتخابیاتی از این دست ، گسترش دهند ، بدون شک می توانستند ، در کا هنی میزان آرا ، ریخته شده به صدوق های رای گیری ، نقش قابل توجهی داشته باشند . اما منافقان واقعت چنین نیست . بخش اعظم نیروهای دموکرات ، در این معرکه انتخاباتی شرکت جسته اند ، نیروهای کمونیستی نیز تا کنون موضع رسمی در این باره اتخاذ نکرده اند که بتوان در این مورد قضاوت نمود . دوم اینکه : بسیاری از عنا صر ووا نیست

بقیه در صفحه ۱۴

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

حرکت پیروزمندانانه دیگری از کارگران کارخانه عبیدی

در پیکار شماره ۳۶ گفتیم که کارگران اخراجی کارخانه عبیدی در سایه همبستگی خود توانستند نه تنها خودسرکار را برگردانند بلکه کارمندان را نیز که بسبب حمایت از آنها اخراج شده بودند، سرکار را برگردانند. در زیر گزارش ادامه مسازات آنها را ملاحظه میکنید:

کارگران اینک پس از اخراج به کارخانه برگشته بودند از روحیه خوبی برخوردار و سازماندهی یافته بودند. پی برده بودند که کارگران دیگر نیز با روحیه ای زور سربرشته میسر شدند و در مواردی رودر روی آنها می ایستادند. در مقابل، آنها از مابندگان خود حرف سبوی داشتند و به آنها احترام میگذاشتند. از طرف دیگر چند لومین و بسته به کارفرما سعی از کارگران ناآگاه را علیه مابندگان تحریک می نمودند و با انجمن اسلامی فرمایشی (از طرف کارفرما) که موسسین آن از سربرشته می بودند که کارگران از آنها دل خوشی نداشتند اوضاع را منسج می کردند.

در چنین شرایطی نماینده ها با همکاران چند کارگر آگاه دیگر برای تشکیل شورائی (۱) سازماندهی ای تهیه می کنند که مطابق آن تورا دارای دو کمیته آموزشی و آموزشی بود. (نماینده ها مستعد بودند برای آنکه تورا بتواند قدرت اجرایی داشته و با یکدیگر، با بددراستداستاد و حداقل و طبقه شروع کرد و پس از آنکه جا افتاد و محکم شد، آنکاه خواست نظارت بر بولید و مدیریت را مطرح کرد.) اما سازماندهی از ترس کارگران با کمی تغییر مورد موافقت همه آنها قرار گرفت.

در این میان کارفرما کاملاً شورائی را رد می کرد و تورا غیر قانونی میدانست. نمایندگان مستعد مابندگان کارگران با سازماندهی کارفرما بجای ترسید، در ضمن وقتی نماینده شورای انقلاب به کارخانه می آمد اعلام می کردند که ما به همبستگی شورای انقلاب، تا صوبت اساساً برای توراها نباید هیچ شورائی تشکیل شود! اظهارات نماینده شورای انقلاب با مخالفت کارگران روبرو می شود. از این جهت وی میگوید: "چون شما روی مسائل را نمی بینید تا کسی که شما را به اصلاح می کشد که به جواسنهای... در مورد سروس، افزایش حقوق و دادن حسی اخراج و... رسیدگی کند."

در این موقع بغلت تحریکات و ممانعت های عوامل کارفرما (آنها تبلیغ می کردند که نماینده ها کمونیست هستند و ناآگاه و بی و هم بعضی از کارگران بین صفوف فترده آنها ناسخ و شکاف می افتد، بطوریکه با فشاری روی خواست تورا ورود در روی نماینده شورای انقلاب قرار

(۱) - در این گزارش و سایر گزارش های دیگر، هر جا از تورا نام برده میشود، منظور شورائی های لنینی نیست.



پیروزی کارکنان صنعت و عقب نشینی مفتضحانه رژیم

تتمیم فداکاری ایستادند و جوسی میدادند که تنها برای آنکه هی و هوشیاری و در سایه وحدت و همبستگی خودشان بود که توانستند علیه رژیم همه تلاشهای مذسوحانه و نفاق افکنانه معین - فروانجمنهای اسلامی و استبداد حزب حاکم نس بدبختانه، تحمیلی ندادند و رژیم حاکم را وادار به عقب نشینی کنند.

کارگران مبارز صنعت نفت در جریان این مبارزه پیروزمندانانه خود با زهد دریا میسند که رژیم سرما به دار برای تثبیت و ادامه حاکمیت خویش چاره ای جز تحمیل فشار ریشخوری و زهم بیشتر بر طبقه کارگر و تشدید استبداد تورا ندارد و در برابر، طبقه کارگر هم برای مقابله با دسیسه ها و قوانین ضد کارگری رژیم سرما به دار ی مهمترین سلاح آنکاه و شکل است. این مبار نیز کارگران تشنه در سایه آنکاه و اتحاد خودشان بود که توانستند به این پیروزی دست یافته و راه خود را بر رژیم سرما به داری تحمیل کرده و برگ دیگری بر تاریخ برافشا مسازات کارگران صنعت نفت بیافزایند.

هر چه مستحق تر با دبا دو همبستگی کارگران قهرمان صنعت نفت!

(بمنقل از مجله محلی "کمیته خورستان" شماره ۶)

بعد از مدور بختنامه دولت نسینی بر لغو تعطیل پنجشنبه، کارکنان صنعت نفت جنوب به شدت در برابر این بختنامه تحمیلی واکنش نشان دادند و در بسیاری از مناطق نفت خیز کارگران مبارز صنعت نفت عملاً اهمیت به این بختنامه ندادند و روزهای پنجشنبه از حضور در سرکار خودداری کردند.

پس از ۴ ماه مقاومت متحدانه کارکنان صنعت نفت در برابر این دستور العمل تحمیلی و اهمیت ندادن به اطلاعیه ها و بختنامه ها و رنگ و وارنگ و گاه تهدیدات میزور سیرفت (معین فر)، برانجام این کارگران رژیم پیشین و عضو شورای انقلاب اسلامی، بویا نه در مقابل اتحاد و یکپارچگی کارکنان صنعت نفت تا چاره عقب نشینی شد و تعطیل مجدد پنجشنبه ها را برای کارکنان صنعت نفت به استثناء ادارات مرکزی به رسمیت شناخت.

این عامل مزدور رژیم سرما بی، در حالیکه تحت فشار مبارزه کارکنان صنعت نفت تا چاره به عقب نشینی مفتضحانه شده است می خواهد چنین وانمود کند که گویا به رسمیت شناختن مجدد تعطیل پنجشنبه ها در شرکت های وی و الطاف شورای انقلاب بوده است! اما کارکنان مبارز صنعت نفت که مصممانه در مقابل این

راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران سندیکای پرورده ای آبادان و حومه

سپس راهپیمان که عده آنها در حدود ۴ هزار نفر بود در صفوف فترده شعار "اتحاد، اتحاد، و همبستگی" و "میسرکوی بازگان و کوی کارگریست مرکز هر حرکت کردند. کارگران رهنمکنی شعاری دادند:

- ۱ - فرار داندن می، ایمان اقتصادی اساساً آمریکای خونخوار ملعی ناسد کرد.
- ۲ - اموال آمریکا، بنفع رهنمکنان ملی باید گردد.
- ۳ - کارگر رهنمکن، دشمن امپریالیسم سرما به دار مزدور نوکرا میرا لیسیم.
- ۴ - بسیم بیکاری حق مسلم ما ست. کار، کار، حق مسلم ما ست.
- ۵ - هفتاد هزار رکنش، جدا هزار زخمی، هرگز مبادا زش، هرگز مبادا تسلیم.

و
نسخه در صفحه ۱۷

راهپیمایی ضد امپریالیستی کارگران ۵۰۰ کارگران رهنمکن پرورده ای آبادان و حومه که همچون سایر کارگران سیکار و پرورده ای سران سرکشوری زده ماه از قدرت رسیدن میوه - چینان انقلاب هنوز با هیولای بیکاری و لاجرم فقر و فلاکت دست بگریبانند و از آنکاه که این بیکاری خودناتی از سیستم سرما به داری و بسته به امپریالیسم است و حاکمیت امپریالیسم خونخوار آمریکا از عوامل اصلی این بلاهای خانمانوزاست، روز جمعه ۳۰ آذر بدعوت سندیکای پرورده ای آبادان و حومه یک راه - پیمایی ضد امپریالیستی برگزار کردند.

این راهپیمایی ساعت ۹ صبح از مقابل سندیکای آغاز شد. قبل از حرکت راهپیمان، به اجترام با لگدنها دت کارگران کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان یک دقیقه سکوت اعلام شد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

گرفتن در آن شرایط، خطرناک و بافتن عوامل
کارفرما در شورا (در صورت تشکیل) و ایجاد یک
شورای فرمایشی را به همراه داشت. از این رو
نمایندگان ۱۱ خواستار تغییر طرح می‌کنند و
برای انجام آن ۱۵ روزه کارفرما مهلت
می‌دهند در فاصله این ۱۵ روز عوامل کارفرما
به توطئه‌های مختلفی دست می‌زنند تا کارگران
را دودسته کرده و آنها را رودر روی هم قرار دهند
اما آنجا که کارگران در خلال مبارزات نشان
نمایند، هر دو طرف را هموار کرده و خود دیده بودند و نیز
منافع خود را در پیوستن به آنها می‌دیدند و
ما بهیئت تحریک کنندگان تا حدی روشن شده بود
با وجودیکه نمایندگان را کمونیست مینامیدند
و مدتی به آنها بدبین شده بودند، دوباره به
آنها اعتماد کرده و از ۱۱ خواست پیشنهادی
آنها پشتیبانی نمودند. در روزهای پایانی
مهلت بعثت کار توضیحی نمایندگان کارگران
مصمم بودند که اگر خواستهایشان پس از انقضای
مهلت برآورده نشود دست به اعتصاب بزنند.
از سوی دیگر کارفرما که حاضر بقیبوسول
انجام هیچ کارخواستهای کارگران نبود
وقتی تیرهای توطئه‌ها بشما از طرف سنگ
میخورد و تصمیم قاطع کارگران را می‌بیند
می‌گوشد با برآوردن خواستهای ناچیزی مانند
سرویس، صبحانه و... کارگران را راضی کرده و
از دادن بقیه خواستها (مثل افزایش حق مکن،
دادن حق اخراج به کارگران... و...) زکاردان
دفا ترمالی شرکت که بیرون برده شده بود (۲)
ثانه خالی کند.

کارفرما در آخرین روز با قیام نده از مهلت
تعیین شده، چند نفر را برای مذاکره بیست
نمایندگان میفرستد. پس از مذاکره نمایندگان
کار عیبی قول میدهند که تمام خواستهای
(۲) - عیبی دفا ترمالی را منظور دزدی از
سود ویژه و عدم پرداخت مالیات بیرون برده و
دفا ترمالی را به کارخانه آورده برسد، برگشت
دفا ترمالی یکی از خواستهای کارگران بود.

کارگران را انجام دهند. نمایندگان در همان
روزی نشستی با حضور همه کارگران، نتایج
مذاکرات را به اطلاع آنها میرساند.

کارگران از نمایندگان خود می‌خواهند که
برای بازگرداندن دفا ترور و زدیگر به عیبی
مهلت داده شود.

پس از گذشت این مدت نه تنها دفا تر به
کارخانه بازگردانده نمی‌شود، بلکه چندین مورد
از ۱۱ ماده مورد توافق نمایندگان کارگران
و نمایندگان عیبی هم نقض میگردد.

سرا نجا مهندس با کار توضیحی نمایندگان
اکثر کارگران دست به اعتصاب می‌زنند. حتی
کارگران قدیمی که در دفا تر قبل در اعتصابات
شرکت نمی‌کردند، این بار پس از مشاهده
قدرت عمل جمع و پیروزیهای بدست آمده به
اعتصاب می‌پیوندند. دفا تر اعتصاب بقدری
کنترش میباید که کارگران مرتجع و فائولانیز
(که در ابتدا تسلیم میگردند) اعتصاب عملی ضد
انقلابی است (تحت فشار دیگر کارگران مجبور
میشوند با بقیه هماهنگی کنند. پس از گذشت
یک روز از اعتصاب، کارگران تصمیم می‌گیرند
سازش را شروع میکنند. از این رو برای آنکه
اتحاد یکبارگی کارگران ادا می‌یابد، نمایندگان
- کارگران نشستی با کارگران تصمیم میگیرند
روزها را رکنند و شبها متحمن شوند. این تصمیم
با وجود مخالفت عده‌ای از کارگران کسبه
خواستار ادا به اعتصاب بودند، با موافقت
اکثریت به اجرا درآمدی آید. پس از دوامین
شب متحمن عیبی ناگزیر قبول میکنند که
دفا تر را به کارخانه نبرند. در ضمن نمایندگان
دفا ترسانی به کارخانه آمده و خواستار اجرای ۱۱
ماده میشود. بدین ترتیب متحمن کارگران در
خالیکه از وحدت و انسجام خوبی برخوردار
بودند با موفقیت پایانی میگردند و کارگران
کارخانه عیبی در برابر آنها دوامتگی خود
کار می‌گیرند و بر می‌دارند.

مستحکمتر با دفا تر اتحاد و یکبارگی کارگران
کارخانه دفا تر عیبی

کارگران این ستون مبارزات فدا می‌نمایند
را سدی کنید. رژیم انقلابی شما حتی قادر
نیست که جلوی آن مقامی را که در مسئولیت و
مقامهای بالا نقش مهمی دارد، و لیس از
سرما به دا رجنای پیکاری چون میرا شرافی حمایت
می‌کند، بگیرد. در حالیکه بوق و کرنای ضد
امپریالیست بودند تا گوش فلک را زکریه است.
کارگران متحمن خواستار آمدن نماینده
وزیر کار و با سخوشی به خواستهایشان بودند.
بعد از ظهر دوشنبه سوم دی ۵۸ نفر کارگر از
سیمان آبیگ به فرمانداری آمده و میگویند از
طرف کارخانه می‌خواهند ۷۰ کارگر بهیما نگار
اخراج کنند. صبح سه شنبه ۹ کارگر متحمن به
سیمان آبیگ می‌روند. ساعت ۱۲ دفا تر آنها
برگشته می‌گویند که هفت رفیق کارگر کمیته
سیمان آبیگ با زدا شت کرده است. در همین
روز است که دفا تر زجان به اتفاق نماینده وزیر
کار و چند نفر دیگر بهیما نگار کارگران متحمن می‌روند.
ابتدا استنادا رخنه‌ها را می‌کند. سپس کار -

گران مشکلات خود را مطرح می‌نمایند.
استاندار ضمن سخنانش می‌گوید: "بوجه -
ای برای استان ما در نظر گرفته شده و از این
هفته بی خواهم طرحهای را به اجرا در آوریم.
در نظر گرفته ایم کمیسیون با شرکت فرماندار،
یک نماینده از شورای انقلاب، دو نماینده از
کارکنان شوراها و شهر منتهی... تشکیل شود.
شما کارخانه‌ها و طرحهای اجرا می‌شود با زاین
کمیسیون کارگر استخدا مکنند."

کارگران می‌گویند ما بطور موقت نماینده
- های خود را در این کمیسیون می‌فرستیم ولی
شا از اادی رفقای زندانیمان به متحمن ادا مه
می‌دهیم. حدود ساعت ۹ شب، هفت کارگر
مبارز آزاد شده و به فرمانداری می‌آیند. کار -
گران وقتی می‌بینند که اتحاد و همبستگی شان
موجب آزادی رفقاییشان شده، بسیار خوشحال شده
و آنها را غرق بوسه میکنند.

کارگران آزاد شده می‌گفتند: کمیته‌چی -
ها ما ننده‌ها واک از ما با زیر می‌کردند و حتی
به یکی از ما پیشنهادش هوا رتومان پول میدادند
(که با جواب دندان شکن روبرو شدند).

کمیته‌چی‌ها گفته بودند که اگر شما به خواست
ها پتان برسید، افراد همه کارگران آبیگ...
متحمن می‌شوند.

یکی از کارگران می‌گفت: ما میدانستیم
که پشت سرمان قدرت بزرگی چون قدرت همبستگی
کارگران بیکار وجود دارد ■

"تعمین کارگران بیکار قزوین" و تحریکات حزب جمهوری اسلامی

کارگران بیکار قزوین بدینال نظرات
پیشگویی در روز سه شنبه ۲۴ آذر ماه، روز چهارم
شنبه ۲۸ آذر ماه در فرمانداری این شهر متحمن
شدند.

حزب جمهوری اسلامی و نیز دفا تر انقلاب
اسلامی قزوین طی اعلامیه‌های تحریک آمیزی
کارگران متحمن را دفا تر انقلاب نامیده و به آنها
اطخا ر کرده که اگر فرمانداری را ترک نکنند به
وسيله نیروهای ضربتی سپاه ساداران آنها
را بیرون خواهند داد. پس از انتشار
اعلامیه تحریک آمیز حزب جمهوری اسلامی، عده -
ای از کارگران بیکار طی اعلامیه‌ای با عنوان
"۳ اعلام جنگ حزب جمهوری اسلامی به کارگران
بیکار را." بسیار تندی، تحریف و اقمیات

... این حزب را افشاء کردند. در قسمتی از
اعلامیه مذکور می‌خوانیم:
"حزب جمهوری اسلامی می‌گوید: مبارزه
طبقات (مبارزه کارگران با سرما بسد داران)
انحراف از مبارزه فدا می‌نمایند است.
کارگران می‌گویند: مگر امپریالیسم از میان
نازل شده؟ امپریالیسم توسط بایکا همیهای
اقتصادی یعنی همین سرما بسد دارهای وابسته
و غارتگر در کشور ما نفوذ پیدا میکند. بنا بر این
مبارزه با امپریالیسم تنها وقتی میتواند از
صورت حرف و عوام فریبی درآید که با این عاملین
امپریالیسم یعنی سرما بسد داران مبارزه شود.
ولی شما در عمل بجای مبارزه با امپریالیسم،
بصورت خامی آن درآمد، جلوی مبارزات

از انتشارات
جدید سازمان



پایه دربار
چینش دانشجویی
و ساد
"دانشجویان مبارز"

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

حرفهای زحمتکشان از ثمریات زحمتکشان



شماره ۸ "پیکان" نشریه "عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال"، در تاریخ اول دیماه منتشر شده است. در این شماره مطالبی درباره سندیکای فرمایشی ایران ناسیونال، مقررات جدید سودویژه، جاسوسی امیرانتظام، ونیسز چندخبر کارگری درج گردیده و آنچه در زیر می‌خوانید، قسمتی است از مقاله‌ای تحت عنوان:

امپریالیسم آمریکا دشمن شماره ۱ زحمتکشان ایران

"وحدت کارگری" نشریه کارگران مبارز "مینو" است که در دومین شماره آن مطالب متنوعی بچشم می‌خورد. سر مقاله اش درباره امپریالیسم آمریکا است. و در رابطه با مبارزات خلق کرد و چگونگی برخورد رژیم‌ها، مقررات قانون اساسی و زحمتکشان ایران، سودویژه و برخورد شورای انقلاب به آن، مسئله زن... ونیسز مقالاتی دارد. ما سر مقاله اش را برای معرفی این نشریه انتخاب کردیم:

این روزها ما کارگران و زحمتکشان نفعی را که از خیلی پیش‌ها در دل‌هایمان از غارتگری‌های بی‌حد و حساب امپریالیست‌های بخصوص کثیف‌ترین آنها امپریالیسم آمریکا انباشته شده است در کارخانه‌ها درخیا با آنها در همه جا با فریاد، با مشت‌گرفته نشان می‌دهیم، ما درک می‌کنیم که وجود امپریالیسم در ایران یعنی وجود همان سرما به داران وابسته و دلال یعنی امثال خیامی‌ها، لاجوردی‌ها و... و خسروثا می‌ها. ما خواهان میهنی مستقل و آزاد هستیم. بدین ترتیب نه تنها خواهان برگرداندن شاه‌هاشن جنایتکار با تمام شروتش به ایران و ما دره موال او و ما که عداوی در پیشگاه خلق زحمتکش ایران هستیم، بلکه امپریالیسمی نمی‌دانیم و خواهان نابودی روابط سرما به داری وابسته هستیم. اگر این

هیئت خاکه را ست می‌گوید و خدا میریالیست است که ما می‌گوئیم نیست با بدستما و وابستگی‌ها را قطع کند ولی هیئت! کجا سرما به داران میتوانند خدا میریالیست باشند؟ کجا دولتی که در طی این ۹ ماهه سرکوب خلق کرده مشغول بود و ما را فریب میداد که با خدا انقلاب و ما او کسی می‌تواند میتواند خدا میریالیست باشد؟! دولتی که کارگران مبارزان را به زندان می‌افکند (نمونه خرم‌دره، نخ زرین و...) دولتی که فرارده ۲/۵۰۰ میلیون دلار برای لوازم بدکسی اسلحه با آمریکا می‌بندد، دولتی که ما کسی سرمایه‌داری چون حاجی علی است میتواند خدا میریالیست باشد؟! نه، هیچوقت چاقو دست خود را نمی‌برد. تنها دولتی واقعاً ضد امپریالیست و تا آخر خدا میریالیست است که دولت کارگران و زحمتکشان با شذیرا ما کارگران و زحمتکشان از آنجایی که در مبارزه با امپریالیسم چیزی را اندازیم که زدست بدسیم مگر زنجیرها بی‌که سرما به داران بدست و پسی ما بسته اند، تا آخر علیه استعمار و استعمار مبارزه می‌کنیم. (در شماره آینده راجع به اینکه امپریالیسم یعنی چه خواهیم نوشت) .

مرگ بر سرما به داری وابسته!
ما بودیم امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

بالاخره حرف‌نبروهای انقلابی در مورد امیرانتظام درست درآمد

طبقه سرما به دار در جوامع نظیر ایران نمی‌توانند بدون وابستگی به امپریالیسم رشد کنند. بر این اساس بود که نیروهای مبارز ما هیئت دولت موقت را افشا کرده و چهره‌های شناخته و شناخته‌نشانها را معرفی می‌کردند و در مقابل آقای بازرگان نیروهای مبارزان را اخلاک‌گرو خدا انقلاب معرفی می‌کردند تا کیداشت که عطا دولت موردا عطا دکا مل من میباشند. حال از آقای بازرگان (نخست وزیر سابق دولت موقت و عضو فعلی شورای انقلاب) می‌پرسیم: آیا شما آقای امیرانتظام را به معادنت و زبیر و زبیر و زبیر گوی هیئت دولت برنگزیدید؟ آیا شما با راه تا کید نکردید که ایشان موردا عطا دکا مل من هستند؟ آیا شما نظرات آمریکا شی آقای امیرانتظام را ناسید نمی‌کردید؟ آیا سیاست شما با نظرات آقای امیرانتظام آمریکا شی هما هنگ نبود؟ و همچنین توجه به کارهای دولت بعد از زقیما بهمن ماه، از کارگران مبارز می‌پرسیم آیا سرما به داران میتوانند انقلاب را به آخر برسانند؟ آیا هیئت دولتی که ستگوش آمریکا شی با ند می‌تواند خدا میریالیست باشد؟

که: چیزها شی که شما گفته‌اید وقت زیادی می‌گیرد و چند سال طول می‌کشد. ما بیکاره آمده - ایم کنگفدراسیون کارگران ایران را بوجود آورده ایم بعد از ما می‌توانیم سندیکا و اتحادیه بوجود آوریم (!) ...

یکی دیگر از کارگران پرسید: چه کسان کنگفدراسیون را برسمیت شناخته اند و به آن اجازه کار داده اند. نماینده کنگفدراسیون جواب داد: کنگفدراسیون توسط وزارت کار برسمیت شناخته شده است. باید در جواب این هوادار سرمایه داری گفت مگر اداره کار بعد از قیام تغییر کرده است؟ آیا رژیم وابسته شاه اداره کار را برای چه بوجود آورده بود؟ مگر همین اداره کار نبود که قوانین ضد کارگری را تصویب می‌کرد؟ حالا همین اداره کار است که شما را ما مور تشکیل کنگفدراسیون ضد کارگری کرده است. نماینده کنگفدراسیون در صحبت‌های خود گفت ما در چاه چوب جمهوری اسلامی کار می‌کنیم و چون موقعیت انقلابی است نباید دست به اعتصاب، تحصن و غیره زد. (!) ...

کارگران مبارز! هوشیار باشید. همیشه نوکران امپریالیسم و سرما به داران با وجود آوردن سازمانهای بظها کارگری سعی میکنند مبارزات ما را به انحراف بکشند. ■

ماهیت ضد کارگری کنگفدراسیون کارگران را بشناسیم

ما کنگفدراسیون کارگران ایران را تشکیل داده - ایم و کارگران بیابند در آن نام نویسی کنند و عضو کنگفدراسیون شوند.

اصولا کنگفدراسیون باید چگونه تشکیل شود؟

کارگران با پیدا اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحادیه سندیکا ها، اتحادیه کارگری بوجود آید. و با اخره اتحادیه‌های کارگری با هم متحد شوند و کنگفدراسیون کارگران را ایجاد کنند ...

در جلسه‌ای که مسئولان به اصطلاح کنگفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سوالاتی کردند که ما ما هیئت کنگفدراسیون چی‌ها را روشن کرد و آنها را رسوا نمود:

یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکا‌های کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنگفدراسیون کارگری زده‌اید ... ؟

نماینده این کنگفدراسیون ضد کارگری جواب داد:

نخستین شماره "بیک پوشش" نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش به تاریخ ۵۸/۱۰/۴۶ انتشار یافته است. در این شماره مطالبی درباره "نمایش" استشنا، وقایع در کارخانه پوشش، کنگفدراسیون کارگران، معرفی کتاب "جامعه سرما به داری را بشناسیم"، مبارزه کارگران بیکارگیلان و چند خبر کارگری درج شده است. ما قسمتی از یک مقاله را در زیر نقل می‌کنیم:

کارگران مبارز!

همگی می‌دانیم که رژیم سرما به داری وابسته به امپریالیسم شاه‌های اینک میتواند جلوی مبارزات ما را بگیرد، زدن و زکلکهای زیادی استفاده می‌کند. از جمله کارهای آن موقع درست کردن سندیکا‌ها و اتحادیه‌های فرمایشی (ما واک زده) ...

و حالا هم بیکاره می‌بینیم یک عده به کارخانه‌ها می‌روند و به کارگران می‌گویند که

قانون اساسی "خبرگان" زنجیربست به پای زحمتکشان



خلق‌ها و مسئله ملی

قطع مذاکرات صلح در کردستان و توطئه‌های جدید هیئت حاکمه

هیئت ویژه دولت در مذاکرات کردستان که پس از مدتی ها بهوی تبلیغاتی در اردبیل و نئولیبون روزنا مه‌ها در مورد صلح دوستی دولت و شورای انقلاب عازم کردستان شده بود، خیلی زود چهره واقعی خود را نشان داد. این هیئت در همان نخستین جلسات رسمی مذاکرات در تاریخ ۲۱ آذر ۵۸ به پیشنهاد داریوش فروهر مذاکرات را قطع کرد و بعد دروغ قطع مذاکرات را به پای هیئت نمایندگی خلق کردگذاشت، (مراجعه شود به سخنان دروغین مهندس سعادت و پاسخ هیئت نمایندگی خلق کردستان و با امداد ۲۸ آذر).

علت قطع مذاکرات را با بستن دردها می‌کند که این هیئت "حسن نیت" دنبال می‌کند جستجو کرد. این هیئت از همان آغاز کوشش کرده است:

اولاً ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد را بر سرشوال برده هدف آنها از این کار اینست که نمایندگان نیروهای انقلابی و مترقی در این ترکیب حضور نداشته باشند تا بتوانند جناح بورژوازی و سازشکاران این هیئت یعنی حزب دمکرات کنار آیند. بنظر مهندس سعادت غسان و عزت‌الله سعادی (که هر دو از سران نهضت آزادی معلوم الحال هستند) در این مورد توجه کنید: "آنها نسبت با این مذاکرات خوش بین نیستند و رسیدن به یک تفاهکامل را موکول به این میدانند که نمایندگان مردم کردستان از پافشاری برای عضویت بعضی گروهها در هیئت دست بکشند و امرای نورزنده در این صورت است که میتوان به جو مذاکرات خوش بین بود." (با امداد ۲۱ آذر ماه اوپا در روزنا مه با امداد ۲۱ آذر ماه میخوانیم که: "سعادت غسان به ترکیب هیئت نمایندگی خلق کرد اعتراض کرده است". و برعکس این هیئت اینجا و آنجا از حزب دمکرات تعریف و تمجید میکند: داریوش فروهر در ۲۱ آذر ماه گفت: "خوشبختانه شخصیتها و مذهبی رهبران حزب دمکرات خواستار جلوگیری از هر گونه درگیری جدید و حل و فصل مسائل از طریق گفتگو هستند..." (بدین ترتیب می بینیم که فروهر این بار در برین بختبار چگونه میخواهد تلویحاً نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد)

ثانیاً هدف دیگر این هیئت ویژه دولت که سیاست هیئت حاکمه را در کردستان دنبال می‌کند، عوام فریبی بوده از طریق مسافرت به نواحی مختلف و برادر سخنانی و نمایی ترشی است. آنها به این بهانه که با مردم طرف هستند با نیروهای سیاسی (مترقی و انقلابی) تلاش میکنند که تا جای مفتی زاده ها که پیش خلق کرد رسوا شده اند به خارج گریخته اند

بقیه در صفحه ۱۳

توطئه هیئت حاکمه برای تجدید جنگ در کردستان

اخبار گشتار سنج:

سنج شروع به تیراندازی هوایی میکنند. شهرکات فوق العاده گرفته و مردم شروع به سنگربندی میکنند. در اوائل شب با سداران دوباره تیراندازی را شروع کرده و عابرین را هدف گلوله قرار می دهند. در این تیراندازی سه نفر از عابرین درجا شهید شده و ۸ نفر نیز مجروح می شوند که در بیمارستان یکی دیگر از مجروحین نیز شهید می شود.

چهارشنبه ۱۰/۱۲ - هنگام صبح مردم اجتماع کرده و بدینال چاره جوئی بر می آیند. نیروهای سیاسی درگیر راه حل های مختلف بوده اند که مردم به اینکار را با این تصمیم به تحض در استان داری می گیرند و در آن محل متحصن می شوند و همه نیروها را دعوت به متحصن می کنند. متحصنین عده ای از اصناف مختلف را بعنوان نمایندجهت مذاکره با استان داز و فرماده با دگان و رئیس شهربانی انتخاب می کنند و تذکری می شوند که این نمایندگان فقط برای مذاکره در مورد خروج با سداران انتخاب شده اند. از ه نفر نماینده یک نفر نماینده با زاری، یک نفر معلم، یک نفر قاضی یک نفر دانشجو و یک نفر نماینده از کارگران بیکار بودند. در مذاکراتی که با استان داز و رئیس شهربانی انجام گرفت توافقنامه ۷ ماده ای (۲) به تصویب رسید که برای پیشنهاد به دولت در اختیار استان داز قرار گرفت. استان داز در مذاکره با تهران پیشنهادت جدیدی را ارائه کرده به طریقه موارد هفتگانه بطور دلخواه توسط رژیم تغییر داده شده مثلاً بجای شهربانی موجود فقط از شهربانی تام برده شده است و همچنین ارتش را محق به دخالت در امور شهر و حفاظت فرودگاه دانسته است. مردم قاطعانه با پیشنهاد دولت مخالفت کرده و اعلام میکنند تا خروج بی قید و شرط با سداران همچنان به تحض ادامه می دهند.

پنجشنبه ۱۰/۱۳ - تحض ادامه دارد. از روز قبل تمامی مدارس، ادارات و موسسات شهر تعطیل شده و همه مردم شهر همبستگی خود را با متحصنین تا خروج کامل با سداران اعلام کرده اند. نماینده ای از طرف هیئت دولت به سنج آمده تا با نمایندگان متحصنین مذاکره کند. امروز در شهر شایع است که ارتش از کرمانشاه به سمت سنج آمده و در ۹ کیلومتری کامیاران بقیه در صفحه ۹

شروع درگیری: شنبه ۵۸/۱۰/۱۸ - امروز دوباره با سداران ارتجاع، سعید بنیون خارج سهرجیب، سوختگیری مراجعه میکنند. در حین سوختگیری بیشترگان حزب دمکرات سر رسیده و آنها را قطع سلاح میکنند. یکی از نمایندگان دستگیر و دیگری موفق به فرار می شود. بعد از این ماجرا با سداران مستقر در اردبیل و نئولیبون سنج به محل آمده و در خیابان ورودی سهرجیب کبری و شروع به تیراندازی میکنند. سبب بیشترگان و با سداران درگیری شروع می شود. سبب با سداران از فرماندهان در کاب سنج - ۲۸ گشتار - تقاضای ماسنجبری می کنند و سبب طرفین ۴۸ ساعت آسپس اعلام می شود. در این ردو خورد آنتن رادوس نئولیبون آسپس دیده و سبب مه های آن قطع میگردد. در مذاکرات بین، خروج با سداران از سبب در طرف ۴۸ ساعت قید شده بود. اما با سداران سعادت و مدت مقرر خارج میزبک تهر نمی شوند. نیروهای سیاسی سبب منظور جلوگیری از درگیری ۲۴ ساعت دیگر آسپس را تمدید میکنند. شنبه ۱۰/۱۱ - امروز مهلت ۲۴ ساعت آسپس مجدد و سه ساعت مهلت ۴ بعد از ظهر اعلام شده است و بیشترگان این به حجاب است با سداران در اردبیل قرار شده و سبب فائوم بعد ۲ ساعت در آسمان سبب دیده ما نورده است. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر هنگامیکه سبب ۳ ساعت بعد با سداران آسپس بمانده بود یک حجت مسلح به سبب با سداران در حین عبور از حسان یکی از بیشترگان سبب زکری (۱) را هدف گلوله قرار میدهد. بیشترگان سبب سبب شنگ محدود گلوله با سداران مرموز را رخمی می کنند. اما سبب را چپ کرده و موفق به فرار به مرکز سبب با سداران میشوند. بدینال آسپس حسان با سداران مستقر در سبب نگاه افشیران

(۱) - در مورد "سبب زکری" که در درگیری های اولیه سببش دانند تا بدینا داری کرد که این سبب طرفداران شیخ عثمان رهبر فرقه بنفشه است که از مراجع مرتجع بوده و طرفدار و وابسته به رژیم بعث عراق است و از نظر نظامی و سیاسی کاملاً از رژیم عراق تغذیه میشود. رهبری این سبب در دست دکتر مارچ پیر شیخ عثمان (که گفته میشود مستقیماً وابسته به ساواک بود) و شیخ جمال می باشد.

(۲) - زیر نویس در صفحه ۱۳

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

جنبش دهقانی



گزارشی از مبارزات دهقان روستای "کجلده" از توابع آمل

روستای "کجلده" حدود ۲۵ خانوار (تقریباً ۳۰۰ نفر) جمعیت دارد که ۳ خانوار آن بی زمین و ۱۲ خانوار کم‌زمین می‌باشند. تنها یک خانوار دارای حدود ۵ هکتار زمین است. ۲ هکتار زمین دیم، بوده و جزو دهقانان مرمی محسوب می‌شود. مقدار زمین آبی این روستا که بهنگام اصلاحات آبی گذاشته شده کشت و ریزان تعلق گرفت. حدود ۲۲ هکتار است. مالک این روستا شخصی بنام "حیدر اسکندری" می‌باشد که در زمین‌ها و خاکش سرپرستی بانک کشاورزی مازندران را بعهده داشت. به هنگام "اصلاحات آبی"، قرا بر این گردید که این شخص ۱/۳ زمین‌های آبی و دیمی را به دهقانان واگذار نماید و ۱/۲ باقیمانده در ملک وی باقی بماند. اما او بدلیل نفوذ خود در دستک‌های دولتی رژیم توانست سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد. بعنوان مثال در مورد ۱۵ هکتار زمین دیمی که طبق قرارداد می‌بایست ۱۰ هکتار آنرا به دهقانان واگذار کند، از این عمل خودداری نمود. دهقانان در مقابل حق کشتی‌های مالک با رها به مقادیر رژیم سابق شکایت بردند اما رژیم ضد خلقی شاه به خواستهای آنان ترتیب اثر نداد. در سال ۱۳۵۵ مالک

تصمیم به حفر چاه بر روی زمین نمودن آنرا به زیرکشت در آورده ولی با مقاومت چاه ندهقانان روبرو گردید و در این کار توفیق نیافت.

پس از قیام خونین بهمن ماه دهقانان این روستا شکارچی بر علیه "اسکندری" بدادگاه انقلاب تسلیم نمودند، اما چون عملاً ندیدند که مقامات به خواستهای آنان پاسخ مثبت نمی‌دهند، پس از گذشتن جلسات متعدد و بحث بی‌امان مسئله زمین، سرانجام در شهریور ۱۳۵۸، ۱۵ هکتار زمین را به نسبت مساوی بین خود تقسیم نمودند. "اسکندری" نیز بی‌کار نشسته به شایعه پراکنی در مورد حمله چاقو را نش به دهقانان پرداخت. بعد از گذشت مدتی، با اوجگیری مبارزات دهقانی ساپرو روستاهای منطقه (از جمله میرآباد)، اهالی روستای "کجلده" نیز در تاریخ ۵۸/۹/۱۴ زمین‌های مماندره را شخم زده و به کشت گندم اختصاص داده‌اند.

تاکنون تحریکات، دسائس و اعمال فشار باسداران، مقامات اداره کشاورزی و... نتوانستند است را در آستانه دهقانان این روستا خلی وارد سازد.

دهقانان مبارز امیرآباد

در شماره قبل "پیکار" (۲۶)، گزارشی داشتیم از اقدام انقلابی و شجاعانه دهقانان مبارز روستای امیرآباد آمل در مورد مصادیر بیش از ۲۵۰ هکتار زمین‌های فئودالیهای منطقه. در رابطه با این موضوع، حوزه مازندران سازمان، اعلامیه‌ای در تاریخ ۵۸/۱۰/۲ منتشر کرده است که ما قسمتی از آنرا در زیر نقل می‌کنیم:

... ما ضمن درود فراوان به این اقدام انقلابی شما، برای حفظ و مستحکم نمودن پیروزی‌های بدست آمده، برای درهم شکستن توطئه‌ها و بنفای افکنی‌های مالکین و اربابان آنها و نیز تهدید پادسداران، توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱- برای حفظ وحدت و یکپارچگی خود در مسائل مربوط به دو به خصوص در مواقعی که تصمیم‌های مهمی می‌خواهید بگیرید، لازم است که بطور مرتب جلساتی با یکدیگر داشته باشید.

۲- برای هماهنگ و منظم کردن کارها و اموری که در پیش دارید، چند نفر نماینده از بین خودتان که بیش از همه در راه هدفها و خواسته‌های شما، فعالیت و فداکاری کرده‌اند، انتخاب نمائید.

۳- توجه داشته باشید که کارگزارانی که روی وسایل کشت و ریزی کار می‌کردند همچون شمشک و رزان، در رنج و زحمت بسر برده و حتی مدتها بوده که حقوقشان را دریافت نکرده بودند. لذا ضروری است که حتماً یک نفر از طرف این کارگران (البته مبارزترین و آگاه‌ترین آنها) بعنوان نماینده آن کارگران، در جلسات شما حضور داشته باشند.

۴- از نفوذ عناصری که در حرکت انقلابی شما سنگ اندازی می‌کند و به اصطلاح آنرا خلاف مسیر انقلاب می‌دانستند جداً جلوگیری کنید تا در اتحاد و یگانگی شما خللی وارد نیاید.

۵- سعی کنید که زهر برقی که میتواند با روستاهای دیگر و بخصوص با روستاهای طرف (بقیه در صفحه ۱۷)

يك نکته كوچك! در سخنانی آیت الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌سپاه پاسداران و معاون وزارت دفاع در روز یکشنبه ۵۸/۱۰/۴ در بیانیگه یکم شکاری دربار "محسنات ارتش" لزوم "وجود طاقت کورکورانه"، "لزوم سرکوب خلق کرد توسط ارتش" و... سخنانی مبسوطی ابراز کرد. ما لزوم سرخورد به تنگ‌مویان را به این سخنرانی را نمی‌بینیم، زیرا که با رها در شمار ه‌های بیکار نظرات و عملکردهای هیئت حاکمه را در باره ارتش افشا کرده و نقش فمردمی این دستگاه را شرح داده‌ایم. لیکن یک نکته در سخنانی آیت‌الله خامنه‌ای چشم‌میخورد که قابل توجه است. در این سخنرانی ایشان البته "انقلاب دانی" را هم به گذشته ارتش وا در می‌داند. از نظر ایشان این استقادات در شرکت ارتش در جنگ کانا ل سوزیر علیه عبدالناصر، همکاری در توطئه خونین علیه خلق فلسطین در سینا میر سپاه (کشتار در اردن) و کشتار ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور خلاصه می‌شود. ولی گویا آیت‌الله خامنه‌ای یک نکته کوچک را در باره "انقلاب دانی" به ارتش فراموش کرده است یعنی شرکت وسیع و همه‌جانبه این ارگان ضد خلقی در سرکوب خونین و وحشیانه خلق عمان، ولی با توجه به تذکرات ده‌ها بار به عمده این حرکت ضد خلقی را سکوت می‌گذارد و کلامی در باره آن بر زبان نمی‌آورد. تاکنون کدام "ادگاه انقلاب اسلامی" بوده است که حتی یکی از فرماندهان ارتش‌ها را بدلیل مشارکت در سرکوب خلقی ستمدیده عمان (ظفر ابی) می‌زما که می‌کند؟ بعکس، ایشان همان فرماندهان ضد خلقی را هم به پستی‌های آبروان دار رسانده‌اند زیرا که هیئت حاکمه کنونی خود یکی از جبهه مشترکشان را با هیئت حاکمه سابق در همین سرکوب ارتش در ظفر امید اندوخی دلیل نبود که مدتی مزدور از لزوم سرکوب مجدد این خلق دلاور توسط ارتش ایران سخن می‌گفت. بدینست‌اثره کنیم که منابع موثق تا کج می‌کنند که همزمان با لشکرکشی نام به ظفر، عده‌ای از مبارزین ایرانی که در آنروزها در عراق مقیم بودند به منزل آیت‌الله خمینی در نجف مراجعه می‌کنند و خواستار می‌شوند که آقای خمینی این اقدام رژیم را طی اعلامیه‌ای محکوم نماید. فرزند بزرگ آقای خمینی، یعنی سید مصطفی خمینی یکروز بعد جواب می‌دهد: "ما که نمی‌توانیم همه اقدامات رژیم را محکوم کنیم، با لاف‌ها آنها کمونیست هستند!"

آیا همین سیاست نیست که در ایران پس از شاه، در ده‌ها ده می‌شود؟! و این سیاست در خدمت چیست؟!



کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

فلسطین - ایران : یک سنگر



سهیم هستند، آنگاه ساختند، آنرا اشتلاسی از خرد بورژواها، دمکراتهای انقلابی و نیروهای مارکسیستی در عرصه مبارزه مسلحانه ایجاد کرده اند. اشتلاسی که هنوز با برجاست. نیرو - های مارکسیستی جنبش راه ورود را از درپیش دارند و در این راه، جنگ لبنان تمهین کننده است، همچنان که مکانات رشد نیروهای انقلابی در منطقه و تغییرات ناشی از آن .

رفقا! اینکه سازمان پرافتخار شما دست به احیای این مراسم در این روز پرشکوهر زده است دلیلی است بر روابط استراتژیک و بهم پیوسته خلقهای ما، پیوستگی انفکاکناپذیر و مستمر، پیوستگی است در راه یک نبرد طولانی با امپریالیسم و صهیونیسم، و استوار و پرهیز در راه مبارزه با ارتجاع داخلی، با سرمایه داران غارتگر و وطن فروش ."

بعد، به یادش آموزان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار خوانده شد. سپس دو دانش آموز خردسال که یکی شعری وپیاپی را نوشته بود و دیگری آنرا با شور تمام خوانده پشت تریبون قرار گرفتند و زبوری دانش آموزان هوادار سازمان، دبیرستان ابوذر پیش فلسطین را تیریک گفتند.

در باره انقلاب فلسطین و مراحلی که تنها کتون خلق فلسطین از سر گذرانده مقاله ای تهیه شده بود که تیتراژها را بهتر تبیین می نمود گزارش کرد:

آغاز انقلاب، جنگ ژوئن ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل، جنگ کرامه ۱۹۶۸، توطئه ها در لبنان و اردن (سپتامبر ۱۹۷۰)، مرحله مبارزاتی و تلاش برای تجدید قوا، جنگ لبنان و دخالت سوریه و سقوط تل العزیز، جنگ در جنوب لبنان و انقلاب ادامه دارد.

چندتا از مقالات فوق که در فوایل آنها به ما، شما، شعرا، شاعران و نویسندگانی فلسطینی همراهم ترجمه اجرا می شد قرار دادیم - و در این مقالات پس از تکمیل به صورت جزوه ای منتشر کردیم.

دو تن از رفقای شما که مشخصاً در جنگهای لبنان در سالهای ۵۲ و ۵۵ شرکت داشته اند برخی از خاطرات خود را برای حفا ریبان کردند و از انقلابیون ایرانی که در جبهه های نبرد فلسطین مشارکت داشته اند یاد نمودند.

بپایم نیز از سوی زحمتکشان اسلام شهر هوادار سازمان پیکار روپیاپی دیگر از سوی جمعی از کارگران پیکار خوانده شد.

در پایان و پیش از نمایش فیلم فلسطینی "الارض که بخشی از مبارزات و تظاهرات مردم داخل سرزمینهای اشغالی بمناسبت روز ۳۰ مارس ۷۶ را نشان میدهد، قطمانه می بینید قرائت شده متن آنرا در زیر می آوریم:

قطمانه با ما مراسم ما شرکت کنندگان در جشن پانزدهمین سالگرد انقلاب مسلحانه فلسطین، ضمن تیریک این عید ملی به خلق قهرمان فلسطین در داخل

"امروز ما همراه با یکدیگر، پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب فلسطین را جشن میگیریم. سالگرد روزی که انسان فلسطینی تفنگ بدوش گرفت و مبارزه دشوار خویش علیه صهیونیستهای تجاوزگر به سرزمین آباء و جدانش را آغاز نمود. فلسطینی، بعد از توطئه های نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی علیه سرزمینش، بعد از آنکه درک کرد برای بازیگری گرفتن فلسطین محبوب خود را هیچ غیر از اسلحه برداشتن نیست، تفنگش را بدوش گرفت."

و در جای دیگر:

"ما از شما و خلق کبیرا ایران به خاطر حمایت از خلقمان در سرزمینهای اشغال شده و حمایت از انقلاب فلسطین در مقابل توطئه های امپریالیستی و صهیونیستی از کمپ دنیوسد گرفته تا طرح توطئه امیزی که آنرا خود مختاری ساحل غربی مینامند، تشکر میکنیم."

سپس پیام مجمع دانشجویان مترقی عرب قرائت شد که در آن با لحنی حماسی، پرشور و قاطع سپس پیام مجمع دانشجویان مترقی عرب قرائت شد که در آن با لحنی حماسی، پرشور و قاطع شرایط اجتماعی و سیاسی ای که منجر به طلوع خورشید انقلاب مسلحانه خلق فلسطین گردید بر سر مرده ز توطئه ها، مضعفان و خیانتها پسرده برداشته بود، منجمه به خیانت احزاب روبریو - نیستی اثار کرده و چنین میگفت:

"آنان (انقلابیون فلسطینی) اغیانست احزاب "کمونیست" در شوروی و در کشورهای عربی را به آلمان و خلقها و آلمان طبقه کارگر، ثابت کردند. اشتلاسیانکاهانه این احزاب بسا سرمایه داران دولتی را مفتضح و بر ملا کردند و در مورد کمیدی انتقال ممالمت آمیز قدرت نیز آتفقدری پایگی و بیوفائی بودن آنرا عیان نمودند که با بدگفت و ای بحال مدافعان بیچاره این توهان.

رفقا دیگر صحبت از ارزش و روبریو نیسیسم معنی ندارد، "تحول تدریجی" تحولی است ضد خلقی و ضد ملی و ضد میهنی.

بلی رفقا، انقلابیون، مجرمانانهای خرد بورژوازی ناسیونالیستی را که در قدرت

روزی بنحسب ۱۳ دیماه، بعد از ساعتها با هم در مراسم تکریمی بمناسبت پانزدهمین سالگرد انقلاب مسلحانه خلق فلسطین، در سالن ورزش دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. پوسترها و پلاکاردهای متعددی که هرکدام پیوسته و ناگسستی بین خلقهای ایران و فلسطین را در مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم، ارتجاع و متعصبی مکرر دیوارهای دانشگاه و سالن بر - کراری جشن را تزیین مینمود. سرگذشت این روز تاریخی با مقدمات لازم تبیینی در سطح شهر، و سالنهای مکان داشت، همراهم بود.

سما سنگاهای ارتکابهای مربوط به فلسطین در محوطه دانشگاه صنعتی شریف ترتیب یافته بود و سواری از سرودهای فلسطینی همراهم با ترجمه در احبایر علاقمندان قرائت گرفت.

جدیدین هزار نفر در این مراسم شرکت نمودند و حمایت خود نسبت به مبارزه انقلابی خلق فلسطین را با تورتیجین برانگیزا اعلام داشتند. مراسم با سرود کبیرا نتریا سونال و سپس سرود ملی فلسطین (بلادی، بلادی) در حالیکه حفا ریبان با خاسته و مشتهای خود را در فضا کرده بودند آغاز شد. بعد برای ادای احترام به شهدای هردو انقلاب، حفا ریبک دقیقه سکوت کردند.

سپس پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بمناسبت برگزاری این جشن قرائت کردید. در این پیام گفته شده بود:

"۱۵ سال پیش، انقلاب خلق رنج دیده فلسطین برانگیزا و پراکنده گنجهای بسیار وارد در مرحله نوبستی از حیات خویش گردید. با تحریر کبیری ارتکبهای گذشته و با بی بردن به ما همت مدخلی ارتجاع عرب و رهبران سازش - کار فلسطینی حرکت انقلابی و سازمان یافته سوسی آغاز کردید. ما انجام اولین عمل مسلحانه در سرزمینهای اشغالی بر علیه دشمن صهیونیستی راه سوسی درین باب خلق فلسطین کسودند. پس سنسهای قبلی نکت و سازمان الفصح سوانسب با جلب حمایت بوده های فلسطینی وسیع آنان ادامه حرکت خود را بصحن رساند."

همچنین بایس نکته اشاره شده بود که:

"امروز در شرایطی که این جشن را برگزار می کنیم که هفتاد و یک ساله جدید علیه ترسیم تبلیغات خویش را بر ما بردی ها و امپریالیسم ما، رسماً اعلام میکنند که از هرگونه کمک مالی و مادی به انقلاب فلسطین خودداری میکنند و این در حالی است که کمک ما با دمجمان کنکهای فراوانی از حیات خلقهای ایران به سازمان اسل داده میومد. سازمانی که همواره از پشت به انقلاب فلسطین حنجر زده است. علاوه بر این ما شما هدیم که چگونه چمران حتی در مساجد بر علیه انقلاب فلسطین سخن میگوید و چگونه هیئت حاکمه کوشید در تمام سازمان آزادیبخش فلسطین در غرضتان را ببندد. بنا بر این طبقه نیروهای انقلابی است که پیش ازین در تبلیغ آلمان و اهداف خلق فلسطین درین توده ها کوشا باشند. همیستکی انقلاب ایران و فلسطین را در مبارزه بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع توجیح دهند و در همین رابطه چهره فریبکارانه هیئت حاکمه را افشا سازند."

در پایان ما شما دبه عمومی دانشجویان فلسطینی تا خدایان که بعد از قرائت شد منجمه چنین آمده بود:



راهپیمایی ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان و حمله ارتجاع

زحمتکشان و خلقهای قهرمان، راه نفوذ بیش از پیش امپریالیستها را هموار ننموده است.

۳ - از آنجا که به اعتقاد ما مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری و وابسته نمیباشد، مبارزات کارگران و بیگانه بر علیه سرمایه داری از آن مفتخر و در مقابل آن زحمتکش سر علیه زمینداران خونخوار و عمل انقلابی زحمتکشان برای مبارزه زمینها و خانه های وابستگان، جزئی از مبارزات خلقهای ما بر علیه امپریالیسم بوده و وظیفه خود بود دیگر انقلابیون را شرکت هر چه بیشتر در این مبارزات و گسترش آنها میدانیم.

۴ - ما ضمن پشتیبانی از خواسته های برجسته خلق کرد، توطئه های هیئت حاکمه را بر علیه آنها محکوم کرده و اعلام میکنیم که هیئت "حسن نیت" دولت همچنان که تا کنون نیز نشان داده است حاضر به پذیرفتن هیچیک از خواسته های برجسته خلق نگردد و در تمام این مدت تنها قصد تفرقه در میان هیئت نمایندگی خلق کرد و موش کردن ذهن سوده ها بر علیه نیروهای انقلابی را داشت است.

۵ - ما ضمن افشای جاسوسان امپریالیسم نظیر ائتلافها و لیبیرالهای خائن نظیر بارزگان که سنها از طریق حفظ و احیای سیستم سرمایه داری وابسته تا در به ادا ما حکایت خود میباشند اعلام میداریم که عزم کردن سخی از خیانتها و خیانتکاران و سازشکاران و نوکران امپریالیسم تنها سرپوش گذاشتن و آب تظلم ریزختن بر اعمال و سیاستهای هیئت حاکمه ضد خلقی است که امروزه بر اثر رشد انقلاب، ایزوله و افشا شده و دعواهای درون آن نیز با لگرتافته است.

۶ - در ضمن ما به تمام نیروهای انقلابی که زست خدا امپریالیستی هیئت حاکمه نسبت به ما هیئت واقعی رژیم دچار توهم گشته اند هشدار میدهم که مواظب حملات و یورشهای ارتجاع و توطئه های جدید آنها بر علیه خلق و انقلابیون و کمونیستها بوده و هوشیاری خود را از دست ندهند. دانشجویان ما بر ز طرفدار آزادی طبقه کارگر دانشجویان و دانش آموزان خود را از سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر

عمره شنبه ۱۱/۱۰/۱۰ یک راهپیمایی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی از طرف دانشجویان مبارز... و دانشجویان و دانش آموزان هسوا دار سازمان ما ترتیب داده شده بود. این راهپیمایی که از همان ابتدا با مزاحمت و حمله و با شان فالانژ روبرو شد از دانشگاه تهران شروع و پس از پیچیدن خیابان انقلاب، میدان انقلاب، خیابان کارگر، خیابان جمهوری با یورش فالانژها اجباراً ختم یافت. راهپیمایان که شعارها و نظیر: "مرکز آمریکا، مرکز سر ارتجاع"، "با صدها زخمی دهها هزار کشته"، "امیران نظام خاشخاش چرا قدرت رسید" و... این مسیر را طی کردند. فالانژهای نا آگاه و مرتجع که متخماً از قبل سازمان داده شده بودند اعلامیه - هائی سر تا سر دروغ و مستهجن بنا بر رخ همان روز علیه ما را با بخش مکرر در دو با وجود حفظ مناسبات ارتجاعی راهپیمایان، فالانژها به مغرب نظر هر کنندگان حمله برده و آنان را مظلوم ساختند. اوج گرفتار حمله ای استیجانی با دیگر نشانیهای ارتجاع را که در هفته های اخیر بر شدت حملات خود به نیروهای انقلابی و مترقی افزوده است نشان می دهد.

در این راهپیمایی طی نامه ای نیز منتظر ند که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه میکنید:

اعلامیه خطاب به خلقهای مبارز ایران از جنبش توده ها، خیانت لیبیرالها و بحران اقتصادی - اجتماعی که تا ننگه ننگی سیستم سرمایه داری وابسته است... سخن گفته و اعلام نموده است که:

۱ - همانگونه که تا کنون بارها گفته ایم مبارزه با امپریالیسم تنها از طریق قطع نفوذ امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه داری وابسته امکان پذیر است.

۲ - هیئت حاکمه در مدت یکسال پس از قبایم بهمن ماه علیرغم همه ظواهر ضد امپریالیستی به خود گرفتن، نه تنها کوچکترین قدمی در راه بریدن بندهای وابستگی به امپریالیسم بر نداشتند بلکه از طریق بازسازی ارتش دست پرورده ژنرالهای آمریکائی و دعوت از سرمایه داران وابسته فراری برای سرمایه گذاریهای مجدد و مرکب مبارزات کارگران،

سرزمینهای اشغالی و غارت آن، اعلام میداریم که:

۱ - از حق عادلانه خلق فلسطین در باره زکشت به وطن، آزاد کردن آن و ایجاد دولت دمکراتیک فلسطین پشتیبانی میکنیم.

۲ - جنبش مسلحانه خلق فلسطین را جزئی از مبارزه خلق عرب، جزئی از مبارزه خلقهای متحدین و منطبقه و جهان علیه امپریالیسم، همپوشیم و ارتجاع میدانیم.

۳ - ما راههای تسلیم طلبانه را که از سوی امپریالیستها و ارتجاع منطقه تحت هر پوششی ارائه میشود و هدف آن خلق سلاح خلق فلسطین و نابود کردن آنرا است، قاطعانه محکوم میکنیم و از نیروهای سازشناپذیر فلسطینی که در برابر توطئه ها و وعده و وعده ها سر تسلیم فرود نمی آورند و بدین پشتیبانی میکنیم.

۴ - ما توطئه سرروازی و استبداد برضری ما را - و همپا لکهایش، توطئه خود مختاری خلق فلسطین در ساحل عربی و غیره توطئه کفرانسیس - های بین المللی نظیر کفرانسیس ژو و کمیسر دیوید، توطئه ایحا تفرقه بین شیعیان جنوب لبنان و انقلاب فلسطین که سوسله دارودسته امل دامن زده میشود، حملات نیروهای دست راستی لبنان و همچنین هرگونه کوشش برای قیومت بر خلق فلسطین و ارتجاع استیصال عمل آنرا جلگه محکوم میکنیم.

۵ - ما سازمان آزادیبخش فلسطین را که کلیه سازمانهای انقلابی فلسطینی در آن عضویت دارند و میباشند تنها نماینده ما نوسی خلق فلسطین بر سمیت میباشند و از نیروهای انقلابی فلسطینی محمله، لفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین برضری رفیق زرزخین حمایت میباشیم.

۶ - ما بنام خلقهای مبارز و قهرمان اسیران اعلام میکنیم که در ایران باید برای انقلاب فلسطین امکانها را با نگاه نظامی، کمکیهای مالی و تسلیحاتی، کمکیهای تبلیغاتی نظیر فرستاده رادیوئی فراهم شود. ما با ست فریب کاری و سوء استفاده از فلسطینی ها و عدم کمک به آنها را که از سوی رژیم ایران و سوسله یزیدی ها و چمرانها تا کنون اعمال شده محکوم میکنیم.

۷ - ما خواستار آن هستیم که روابط مستمر انقلابی بین سازمانهای توده ای ایرانی و فلسطینی، بیبن اتحادیه های کارگری، دهفانی دانشجویی و دیگر اتحادیه های خلقی دولت، ایجاد و تقویت گردد.

۸ - ما به خلق قهرمان و نیروهای مترقی لبنان که با لیاقت شدیدترین حملات ارتجاع و امپریالیسم را تحمل کرده و هم درون انقلاب فلسطین می جنگند، درود میفرستیم و همچنین پشتیبانی خود را از انقلاب خلق عمان اعلام میداریم.

۹ - ما به شهدای انقلاب فلسطین و ایران، به رزمندگان ایرانی که در باره یگانهای انقلاب فلسطین آموزش دیدند و به انقلابیون فلسطینی که از هیچگونه کمکی به انقلاب و انقلابیون ایرانی دریغ نکردند و درود میفرستیم و با خون شهدان بیمان میبندیم که تا نبودی کامل سلطه امپریالیسم و نابودی یونیونسم و ارتجاع همودت با خلق فلسطین به مبارزه ادامه دهیم.

۵۸/۱۰/۱۳



ایران بروند و از آنرا بخوانند که از شهر خارج شوند. این مسئله مورد مخالفت نیروهای سیاسی قرار می گیرد.

جمعه ۱۴/۱۰/۱۰ - عده ای از متحمین صبح زوده مسجدجا مع رفته و در آنجا متحصن میشوند تا ظاهراً جاش های مفتی زاده این کار را نکنند ولی بعداً معلوم می شود عده ای از آنها صرفتی - زاده نیز در بین آنها نفوذ کرده و سعی میکنند شعارهای سیاسی را تبدیل به شعارهای مذهبی کرده و حتی چندبار اعلامیه های از طرفداران مفتی زاده بخشن می شود.

امروز عده ای از بیستمرگان به محلات فقیر - نشین رفته و لروم آموزش نظامی را به مردم تا کید کرده و آنان را آموزش می دهند. ظهیر یک حذفا نتوانم از فاصله کمی روی شهر ما شور می دهد. نیروهای سیاسی در آنجا به باش هستند و در شهر سگرها همچنان باقی است.

بقیه از صفحه ۶

توطئه، هیئت حاکمه...

متوقف شده است. بیست مرگان بیگانه قبل به استان داری مراجعه کرده و مسئله محافطت از استان داری را مطرح می کنند ولی به پیشنهاد متحمین برای جلوگیری از هرگونه درگیری از این کار منصرف می شوند در ضمن امروز شایع است که جاشهای مفتی زاده تصمیم دارند در مسجدجا مع متحصن بشوند حتی اعلامیه های شنی نیز از طرف آنها برای حمایت از این سازمان برای باقی ماندن در شهر بخشن می شود. امروز اعلامیه های برای هوشیاری مردم نسبت به ارتش توسط نیروهای سیاسی در شهر پخش شده و به مردم متذکر شده است که به ضمن مبارزه سیاسی اکتفا نگردد و ماده مغالبه با ارتش و هجوم مجدد آنرا نباشند.

شب شایع می شود با زبان تفصیح گرفته - اند فردا صبح کفن یونیده و به سمت محل یاد -

زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۳)

گاهی گذرا به مواضع سیاسی گذشته "اتحادیه کمونیستهای ایران"

از مسئله قدرت سیاسی در ایران عرضه نکرده و همیشه زاویه خرده - بورژوازی بدان نگاه میکرده اند. بطوریکه یک زمان سرکونی رژیم سرما به داری وابسته در ایران را در "سرگون کردن رستاخیز" و "داغان کردن بایگای شدن رژیم محمدرضا تا هی" و با ردیگر در سرکونی دربار پهلوی جستجو میکرد. به نقل قول زیر توجه کنید:

"در همین ماه هرگز در تحت رژیم شاه، نتیجه دمکراسی پورژوازی نمی - تواند بوجود آید. سرکونی دربار شاه و بدست توده های مردم، بیش شرط هر گونه دمکراسی در کشور است" (تا کیدا زمان است - حقیقت شماره ۶ اصفند ۱۳۵۵) بدین جهت می بینیم که "حقیقت" مبارزه بر علیه سرما به داری وابسته

● اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا می کرد، اکنون این نیرو همچون نیروهای دیگر مانند چریک های فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را علاوه بر مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده است.

و در این آن شاه را تحت عنوان مبارزه برای "سرکونی دربار شاه" بصورت یک مرحله و "پیش شرط هرگونه دمکراسی در کشور" در آورده است. ایسین درک لیبرالی از قدرت سیاسی ایران پیش از قیام مهمن ماه است، زیرا "سلطنت" را که اساساً یکی از ارکان و اجزا سیستم سرما به داری وابسته و سلطه امپریالیسم در ایران بود (هرچند که جز مهمی از آن باشد) از خود این سیستم جدا کرده و بنا بودی سلطه امپریالیسم و سیستم سرما به داری وابسته را هدف یللاوا سطح انقلاب ایران و مبارزات توده ها قرار نرساند. کما اینکه در نتیجه قیام نیز رژیم سلطنت و "درا بر پهلوی" و "رستا خیز" سرگون شد، اما سیستم سرما به داری وابسته علیرغم همه بدین، بدلیل ماهیت نیروهای سیاسی مسلط برجش، کماکان حفظ کردید. این درک وجه مشترکی با درک لیبرالی رفیق چینی که مبارزه بر علیه سرما به داری وابسته و در این آن یا نه مزدور شاه را تحت عنوان "مبارزه بر سر ضد دیکتاتوری شاه" از مبارزه ضد امپریالیستی جدا می کرد، داشت و سدان نزدیک میشد.

اما اگر "اتحادیه کمونیستها" در گذشته ارتجاع داخلی و بطور عمده سلطنت پهلوی را از امپریالیسم جدا می کرد، اکنون این نیرو (همچون نیروهای دیگر مانند چریک های فدائی مبارزه ضد امپریالیستی را از مبارزه با ارتجاع داخلی و ضد انقلاب جدا کرده و با پشتیبانی از خرده - بورژوازی مرفه سنتی، یعنی بخشی از هیئت حاکمه که از زمان تلفیق شورای انقلاب و دولت دیگرکا ملافه ضد انقلاب پیوسته است، بنوع دیگری ایسین گرایش لیبرالی و روبریونستی را از خود نشان می دهند.

برخورد منشویکی اتحادیه به بورژوازی لیبرال ایران

انحراف دگماتیستی "اتحادیه" در برخورد به جا معا ایران و آرایش نیروهای طبقاتی موجود در آن، منجر به آن شد که این آرایش را در جا معا سرما به داری وابسته ایران درست منطبق با آرایش طبقاتی جا معا میمد - مستعمر - نیمه فئودال چین قلمداد نماید و بدین زمین در جا معا روی شود. به عنوان مثال میتوان از برخورد این نیرو به بورژوازی لیبرال در بقیه در صفحه ۱۲

(۲) - هر جا که نام "اتحادیه کمونیستها" را در رابطه با دوره اول فعالیت این جریان (خارج کشور) ذکر می کنیم منظور آن نیروی است که گسل نیروهای منضم به کونونی (اتحادیه کمونیستها، اتحاد انقلابی - برای رها شدن کار ورزندگان م. ل) را در بر می گیرد و در آنجا که این نام را در دوره دوم بکار می بینیم منظور همان بخشی است که پس از انشعابات تحت این نام فعالیت می کند.

ما در شماره های قبلی پیکار، مختصراً و با اشاره به اسناد و مدارک، خطوط کلی مواضعی را که "اتحادیه کمونیستهای ایران" در رابطه با رویدادهای سیاسی اخیر ایران، اتخاذ نموده است توضیح دادیم. در این شماره ضمن اشاره مختصر به برخی مواضع سیاسی این نیرو در دوره اول فعالیتش (خارج از کشور) به بحث پیرامون مواضع این نیرو در دوره دوم (پس از ورود به ایران) می پردازیم.

موقعیت خاص فعالیت سیاسی و عملی گروه های خارج از کشور در طی سالهای گذشته، که ویژگی آن همانا دوری از جریان مبارزه طبقاتی و عمل انقلابی و سبزه جدا شدن مبارزه طبقه کارگر از یکسو و محصور ماندن در حصار تنگ جنبش دانشجویان مبارزان خارج از کشور از دیگر سوسیالیست ها، زمینه برور و عملگر دیک سلسله انحرافات و نقطه نظرات انحرافی را فراهم میساخت. این انحرافات که در کلیت خویش یک انحراف بورژوازیستی راست را تشکیل میداد، در زمینه عملی منجر به باسیفیم سیاسی این نیروها (که در اینجا مورد نظر ما نیست) و در زمینه نظری مبنای شکل گیری یک جریان "سوزکونیستی (ذهنی گرا) قوی در این نیروها می گشت. "اتحادیه" کمونیستهای ایران" در آن زمان نیز در آدا بهره چنین انحرافات را فرامیگرفت. در واقع دوری رفقای "اتحادیه" از فعالیت انقلابی داخل کشور و پیرو عینی مبارزه طبقاتی در آن زمان، این نیرو را بتدریج از واقعیات عینی جا معا دور کرده و به یک ذهنی گراشی قوی و عمیق که در تمام عرصه های فعالیت نظری خود را نشان میداد، دچار می نمود.

این انحراف از آنجا بود که در واقع رابطه طبقاتی میان تشروری و برانیک، فعالیت نظری و فعالیت عملی، که دو جنبه اساسی و مکمل پیرو عینی و منطقی شناخت پدیده ها است، قطع میگردد و تشروری پشتوانه برانیک یعنی عمده اصلی پیرو عینی شناخت را از دست میداد.

تجلی اصلی انحراف سوزکونیستی رفقای "اتحادیه" در عرصه تشروری فرار گرفتن بر اساسی یک درک دگماتیکی قریب به سازه از مسائل انقلاب ایران و الگو برداری از تشروری انقلاب چین در تبیین مسائل جا معا و انقلاب ایران بود. (۱)

این دگماتیسم و الگو برداری مانع از آن میشد که "اتحادیه" تغییر و تحولاتی را که در یافت جا معا ایران، در طی سالهای پس از فرم ارضی صورت گرفت و بر اساس آن جا معا ایران به تبعیت از نیازها و ضروریات سیستم امپریالیسم، بتدریج از یک سیستم نیمه فئودال - نیمه مستعمر، به یک سیستم سرما به داری وابسته تغییر یافت، درک کرده و گوش نماید تا این تغییر و تحولات را بطور عینی و در پیرو عینی تکامل تدریجی اش، با استغاده از آموزشهای مارکسیستی - لیننیستی و تجربیات جنبش کمونیستی و کارگری جهانی، تبیین نماید و نتایج تشروریک، سیاسی و عملی آن را مورد ملاحظه قرار دهد.

آنها بجای این کار، در صدد تطبیق مکانیکی قوانین و مسائل انقلاب چین بر انقلاب ایران برآمدند و از همین رو نه تنها از تحلیل صحیح اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران بدور افتادند، بلکه بدنبال آن در سیاست و خط مشی نیز دچار انحراف راست روانه های شدند که به مواردی از آن اشاره میکنیم:

برخورد به قدرت سیاسی

رفقای اتحادیه در پیرو عینی فعالیت خود هیچگاه درک صحیح و روشنی

(۱) - البته این انحراف تجلیات دیگری هم داشت که از جمله میتوان در دنباله روی از سیاستهای کشور سوسیالیستی چین (قبل از حاکمیت دارودسته روبریونستی اخیر) "تزدنگاه افشاگرانه" برای ایجاد حزب کمونیست، که ابتدا بنا بر آن انقلاب روسیه کپی برداری شده بود، و اعتقاد به "اندیشه ما شوتسهدون" به معنای یک مرحله نوین و جهان شمول از تکامل مارکسیسم - لیننیسم و... نام برد که برخورد به آنها در این مقالات مورد نظر ما نمی باشد.

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

گرامی بادی که دهمین سالگرد تولد حیدرخان عمو اوغلی (۲)



اندیشه‌های سوسیالیستی و نفوذ آن در بین ایرانیان

آشنایی با مارکسیسم

در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری مهاجرت ایرانیان به کشورهای خارج اوج بی سابقه‌ای گرفته بود. توده‌های مردم که بنا به آمارهای موجود ۸۵٪ آنان را دهقانان تشکیل می‌داد، از فرط گرسنگی و سپه‌روزی همراه با خانواده‌های خود جهت کسب روزی و نان بخور و نمیر به خارج و بخصوص به همسایه‌های شمالی، روسیه مهاجرت می‌نمودند. بنا به آمار موجود در سال ۱۹۱۸ میلادی

قرن سیزدهم هجری و بخصوص نیمه دوم آن معاد با بارش در سراسر مبادی در ایران و دوران گذار از شیوه تولید فئودالی به شیوه تولید سرمایه‌داری است. این دوره رشد و گذار علی‌رغم اینکه تحت سیاحت‌های استعماری انگلیس و روس نتوانست سیر طبیعی خود را طی کند و آهنگ رشد آن به میزان قابل توجهی کند شده نتوانست معنا مرده‌نی و عینی خود یعنی رشد علم و آگاهی، بیداری روشنفکران و بدنیا آید و اندیشه‌های سوسیالیستی از یک سو و سوز و آرزوی قدرتمندتر شدن سرمایه‌داری و به همراهش فضا و طبقه کارگر را رسو دیگر را تمام و کمال با تمام نمونه‌های اروپائی بوجود آورد، ولی بهرحال سرمایه‌داری از همین کوره‌هاها بتدریج ره می‌گشود و ملزومات خود را نیز در دل خود بوجود می‌آورد.

قدیمی‌ترین سندی که در باره سوسیالیسم در مطبوعات ایران یافت می‌شود به تاریخ ۸ مارس ۱۸۸۰ میلادی برمی‌گردد که در شماره ۴۱۲ روزنامه ایران بصورت مقاله‌ای درج شده است. این مقاله علیرغم اینکه از دیدگاه سوسیالیسم علمی نوشته نشده و تفاوت اساسی بین سوسیالیسم بورژوازی و خرده‌بورژوازی از یک سو و سوسیالیسم علمی طبقه کارگر را درک نمی‌کند، علیرغم اینکه نظر خوبی نسبت به سوسیالیسم نداشته و تحت تاثیر با طبل رایج به تکرار آنها ماضی از قبیل "اشتراک‌زنان" و "استقلال محرمات و اباحت فواحش" در میان سوسیالیستها برداشته است، ولی بهرحال در مقایسه با مواضع روزنامه "فرهنگ" که همزمان با آن منتشر می‌شد نوشته‌های کینه‌توزانه نسبت به سوسیالیسم از قبیل "ردنچریه" اثر سیدجمال‌الدین استادی را چاپ می‌کرد، نقش مترقیانه‌ای را داشته است و بربروی خوانندگان ایرانی اثری مثبت می‌توانست داشته باشد.

ایده‌ها و اندیشه‌های سوسیالیستی از نوع سوسیالیسم تخیلی در تاریخ خلقهای ایران نیز همانند اروپا و اکثر خلقهای جهان وجود داشته است و خلق ایران از این نظر تاریخی غنی و ارزشمند است. آنچه که در او را حکومت ضحاک بر علیه استبداد و مظالم و با خاست، مزدکیان در دوران سلطنت سلطان قباد، قراطمه، اسماعیلیه به رهبری حسن صباح و بخصوص دردوران حسن‌محمد، ایده‌های سوسیالیستی سبزواری و... نمونه‌های برجسته است. بگونه افکار و جنبش‌ها می‌باشد. اما افکار سوسیالیستی علمی معاصر از طریق روسیه به ایران رسوخ پیدا کردند. با بهای اوچکیری جنبش‌های باطنی بخش‌در میان توده‌ها و روشنفکران، سطح آگاهی سیاسی نیز به میزان فوق‌العاده‌ای بالا می‌رفت، و به همین اندازه نیز زمینه برای رشد سوسیالیسم علمی و تشکیل گروه‌های رزمنده سوسیالیست دموکرات فراهم تر می‌شد.

ورود به ایران

چنانکه از ظرات حیدرخان به قلم خود می‌آید که در مرحله یادگار چاپ شده برمی‌آید، بهنگام سفر اول مظفرالدین شاه به فرنگ و توقف در دریا کوبه تاریخ ۱۲۷۹ هجری، حیدرخان در مقام مهندس برق جهت کارخانه چراغ برق مشهد استخدام شده و راهی خراسان شد. ۱۱ ماه در آن

● رفقا! ما فرزندان خلقیم برای احقاق حق خلق مبارزه می‌کنیم. سرمایه‌داران دشمن ما هستند، ما از هر گونه سازش با این ستمگران امتناع می‌ورزیم. اینها خفه کنند، جنش‌های بخش و مکنده خون مردم زحمتکش هستند. در مبارزه با این ستمگران برای ما، با سرگ و پیا پیروزی است! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود نیست! ما به پیروزی خود اعتماد و اطمینان داریم، ما مطمئن هستیم. از سخنانی حیدرخان عمو اوغلی در متینگ بین ۱۱ الی ۱۳ آذرگان پتروژوازی

شهر اقامت گزید. خودی می‌نویسد: "در تمام مدت یازده ماه که من در خراسان اقامت داشتم هر چه سعی و تلاش کردم که بلکه بتوانم یک فرقه سیاسی بدستور (یعنی طبق نمونه) روسیه تشکیل بدهم، ممکن نشد... در این مدت فقط یک نفر، مهدی ابراهیم‌میدانی را که کارخانه گیلریزای آورده مشغول ساختن گیلریزای خود هم عقیده یافتیم که می‌توانستیم با او صحبت فرماییم. در میان او و من... چون دیدم که کوشش در خراسان بی‌فایده مانده لذا در ۱۷ رجب ۱۳۲۱ (مصادف با ۱۲۸۲ هجری) به تهران عازم شدم. چنانکه از گفتار حیدرخان برمی‌آید وی اولین هسته سوسیالیست دموکرات را با مهدی ابراهیم‌میدانی تشکیل داده است. گفته خود حیدرخان همچنین ثابت می‌کند که نوشته روزنامه "مردم" مدنی برای اینکه "جمعی از کارگران و هم - فکرا نشانی اولین حوزه‌های سوسیالیست دموکراسی را تشکیل می‌دهد" و همچنین می‌نهدی ابراهیم‌میدانی "کارگر کارخانه سیکار" (شماره ۱۲۲، ۲۹ آذر) بوده، کاملاً نادرست می‌باشد.

حیدرخان در تهران

حیدرخان پس از ورود به تهران به توالی درسه "اداره" ماشین خانه، تجارت خانه روسی حمل و نقل ایران و چراغ برق حاج حسن آقا بکار مشغول گردید و از این طریق با توده وسیعی آشنا گردیده و با شورتما به تبلیغ ایده‌های مشروطه خواهی در میان آنها پرداخت. در این دوره است که جنبش مشروطه‌اوج می‌گیرد و حیدرخان به‌مثابه یک دموکرات پیگیر شورتما در این جنبش اوج گرفته شرکت می‌کند. در این میان عکس‌انداختن مسیونریزایی در لباس آخوندی آنها رخصتم‌توده‌های مردم را در تهران منفجر می‌سازد. در این زمان حیدرخان یکی از برشورترین و پیگیرترین سازماندهان توده‌هاست. در مرداد ۱۲۸۵ زیرفشار توده‌ها

۴۰۰ هزار نفر ایرانی در روسیه اقامت داشته‌اند. ۲۰ درصد کارگران و کارمندان صنایع نفت با کورا ایرانی‌ها تشکیل می‌دادند. در این سالها روسیه به قدرتمندترین مرکز جنبش کارگری جهان تبدیل شده بود و سوسیالیست دموکرات‌ها فعالیت گسترده و قابل تحسینی را در میان توده‌های زحمتکش و بویژه کارگران به انجام می‌رساندند. ایرانیان در این محیط انقلابی با ایده‌های انقلابی و سوسیالیستی آشنا شده و با شرکت در جنبش انقلابی کارگری آید شده و تربیت می‌شدند. و هم‌ا زمان اینان بود که پیشروترین کارگران انقلابی ایرانی بوجود آمده و در دوره‌های بعدی و بهنگام اوچکیری انقلاب مشروطه و گیلان نقش بسیار عظیمی در انتقال آگاهی سوسیالیستی و انقلابی به ایران و تشکیل هسته‌های سوسیالیست - دموکرات که بعدها در مسیر تکامل خود به حزب کمونیست ایران تبدیل شدند، ایفا نمودند. از طرف دیگر با مهاجرت اجباری گروهی از روشنفکران بخارج از ترس استبداد و خوفشان فاجاری و همچنین مسافرت گروهی دیگر از آنان جهت آدا مه، تحصیل و کسب علم، روشنفکران انقلابی نیز تربیت می‌شدند. حیدرخان تا زودید در سن ۱۱ سالگی همراه خانواده خود به مهاجرت رفت و تحصیلات و زندگی خود را در محیط انقلابی روسیه ادامه داد و در ایران و سپس در تبلیغ به کسب درجه مهندسی برق نایل آمد. و در همین جا بود که حیدرخان تحت تاثیر سوسیالیست دموکرات‌های روسیه، با مارکسیسم و جنبش کارگری آشنا شده و بصورت یک سوسیالیست - دموکرات پسر شور و هوشمند درآمد. در این میان روزنامه‌های سیکار که جهت تشکیل واقعی حزب کارگر سوسیالیست - دموکرات روسیه و تدارک جدی دومین کنگره حزبی از سال ۱۹۰۰ در خراسان منتشر می‌شد و بخصوص مقالات لنین در این میان تا تاثیر شگرفی بر روی حیدرخان گذاشت و او را در شمار طرفداران مشی لنین در-

هیئت حاکمه با اعدام انقلابیون بیش از پیش خود را رسوا می کند

شهید بهروزنها را متهم به رسوایی ملی - کوپتر به سمت کشور عراق نمود . درحالیکه این افسرانقلابی چون حاضرندبودا ز او سر فرمانده مزدورخویش که بوی دستور داده بود به پایگاه "دزلی" مقردارودسته قیاده موقت برود ودرگشتا ربهیمرگه های کردشکت کنند اطاعت نکرده و او را به سزای اعمال سنگین خود رسانده بود . دستگیر شده بود .

خلق همیشه بهروزندان دلاور خود را ج می - نهد . مردم سنج نیز در مراسم تشییع جنازه شهید بهروزنها نشان دادند که بهروزدر قلب آنان جای دارد . ۵۰ هزار نفر از مردم سنج درحالیکه تا بوقت او را با پا رجه سرخ پوشانده بودند با شاعرها و بلاگای ردهای فراوان رژیم را بخاطر جناحتی دیگر شدیداً محکوم کردند . آنها سوگند یاد کردند که راه شهیدان خود را تا پیروی برامیرا لیسما و ارتجاع خواهند پیمود . درود بر همه شهیدای راه آزادی و استقلال درود بر شهید بهروز و بهروزنها افسر آزاده و انقلابی

جلادان خلق کردباردیگیکی از فرزندان انقلابی خلق کردرا تهر باران کردند . بهروز بهروزنها افسرانقلابی و دلیر کردستان چندی پیش به دست رژیم مدخلقی به شهادت رسید . او و فرزند خلع خلق کرد بود . از میان مردم ستم دیده برخاست و در راه خدمت به آنان جان باخت . او نشان داد که حاضر نیستن به اطاعت کور - کورانه بدهد .

هیئت حاکمه که بلافاصله پس از قیام ارتش در هم ریخته تا هشتا هی را نوسازی کرده است و چمران ها و فلاحی ها ، مدنی ها ، ظهیرنژادها ی جلاد و مزدور را در رأس آن گمارده است ، با چنین فرزندان انقلابی در درون ارتش طرف است . و علیرغم تمام مصیبت ها و آخراج افسران و درجه داران مبارزانقلابی نمی توانه بر ا حسی ارتش تا هشتا هی را بازسازی نماید .

لازم است تذکر دهیم : اعدا این افسرانقلابی درست در شرا بطی صورت می گیرد که هیئت ویژه دولت به اصطلاح مشغول مذاکرات ملخ با هیئت نمایندگی خلق کرد بود . رژیم سردروغ

بقیه از صفحه ۶ قطع مذاکرات ملخ ...
مفتی زاده های دیگری پیدا کنند به همین لحاظ است که تا حد گفتگوهای مشکوک بسیاری بخصومی دروناحی جنوب کردستان هستیم .

بدین ترتیب تا حدیکه هدف هیئت ویژه دولت ، بوجود آوردن یک قطب سازشکارا ز چمران های بورژواشی و ارتجاعی در کردستان در مقابل نیروهای انقلابی و مترقی و سپس معامله با این قطب بر سر منافع خلق کرد است . اما این آقایان تنها یک چیز تا قابل ! را فراموش کرده اند : یک چیز تا قابل ! را نمیتوانند ببینند و آن خلق بیما خواه و مسلح کرد است . این جوهری است هیئت حاکمه مدخلقی در بر خود به مسائل کردستان است . هیئت حاکمه زمانی که به کردستان لشکر کشی کرد نمیتوانست نکست مفتضاحا خود را بدست خلق کرد پیش بینی کند و امروز نمیتوانند درک کنند که سازماندهی مترقی و انقلابی تنها به اعشار هم راهی و بسیج خلق تا بسته نمایندگی آنها را دارند و در اوضاع کنونی ، خلق کرد هرگز اجازه نخواهد داد که بر سر منافع وی معامله صورت گیرد . اگر می بینیم که در اجتماع (۵۸/۹/۱) مردم سنج یکی از رهبران روبریونیست حزب دمکرات محبور میشود به همراه مردم شعار "مرکب بر حیزب نوده" را نکران کند ، اگر ما هده میکنیم که در کردستان برای نیروهای روبریونیست نظیر نوده بها وسه جانی ها جانی وجود ندارد ، اگر می بینیم که نیروهای دمکرات مذهبی که در چمران هوم وحشیانه رژیم به کردستان به فرماندهی چمران مزدور سکوت کردند ، نفوذی در بین خلق کردندا رنده و همه سطح بالای آکا هی خلق کرد را نشان میدهد . و مسلماً نوظنه جدید هیئت حاکمه در کردستان نیز که نحت پوشش عوام فرسانه مذاکرات ، همان اهداف قلبی یعنی سر به زدن و در نهایت سرکوت چنین خلق کرد را دنبال میکند ، بشرط افشای همه جانبه آن از جانب نیروهای انقلابی و خصومی مارکسیست - لنینیستها نقش بر آب خواهد شد .



- ۱ - بانی انجام وظیفه نماید .
- ۲ - ساختمانهای دولتی که فعلا در تصرف سپاه پاس - داران می باشد به موسسات مربوطه مسترد گردد .
- ۳ - محل باشگاه افسران که فعلا جا بگا سپاه پاسداران است کما فی السابق (بصورت اولیه قبل از انقلاب) بعنوان باشگاه افسران مورد استفاده قرار گیرد .

- ۴ - هیچک از اکتین شهر حق حمل سلاح بطور آشکار در داخل شهراندارد .
- ۵ - حفظ و جرات ساختن را دیو - تلویزیون که فعلا در تصرف افراد سپاه پاسداران می - باشد به شهر بانی واگذار گردد .
- ۶ - حفاظت از فردوگا ه سنج کما فی السابق بمعده پلیس فردوگا ه است که تحت نظر شهر -

- ۱ - قطعنامه (۲) - قطعنامه متضمن استناداری سنج چنین است : در نتیجه مذاکراتی که نمایندگان گروه - های متضمن در استاندارای کردستان با آقای حسین شاه اویسی استاندار کردستان و سرکار سرهنگ نورالدین هویدا رئیس شهر بانی کرد - ستان بعمل آوردند در موارد زیر توافق حاصل شد . ضمناً نمایندگی افراد منتخب فقط و فقط در خصوص مذاکره بهیرون خروج پاسداران از شهرستان سنج و اجرای موادهنگانه توافق - نامه مورخ ۵۸/۱۰/۱۳ است و بعدا دارای هیچ - گونه سمت نمایندگی نیستند .
- ۲ - خروج فوری وی قید و شرط کلیه افسراد سپاه پاسداران از شهرستان سنج بسلا - فا طه با بدتحق پذیرد .
- ۳ - حفظ انتخابات در شهرستان سنج بمعده پرسنل موجود شهر بانی سنج می باشد که طبق قانون وظایف خود را انجام دهند .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲

انتخابات ریاست جمهوری ۰۰۰

رغبتی به شرکت در این انتخابات نشان نمی دهند و اظهارات صریح برخی از روحانیون عضو شورای انقلاب و رهبران حزب جمهوری اسلامی نیز که علناً عدم شرکت خود را در این انتخابات اعلام داشته اند، دال بر این مسئله است. در واقع روحانیت نمی گوید که بیشتر نقش "کنترل کننده" را در رژیم جمهوری اسلامی آینده بازی نماید تا شرکت مستقیم در بالاترین ارکان های اجرایی همچون ریاست جمهوری. این مسئله که بظهورتگفت آوری و بنظر می رسد، مبین این واقعیت است که روحانیت، که با بهای ملی توهم نوده ها نسبت به هیئت حاکمه کنونی بوده و خواهد بود، میکوشد تا از طریق گرفتن در آماج مستقیم حملات جنبش انقلابی توده ها، که هر روز بیشتر را با اعتلا و گسترده گی رومی بهیما بد، دوری جوید و با ایفای نقش "کنترل کننده" آنها بهای این توهم و اقتدار را کم امکان حفظ نماید و قدرت ما نور را در برابر فرسایش جنبش انقلابی داشته باشد. چرا که تجربه همین ۹ ماهه و اثبات کرده است، آگاهی افزایش یافته توده ها و رشد اعتدالی انقلابی جامعه و متقابلاً عدم توانایی رژیم در پاسخگویی به احتیاجات اولیه و خواستهای سر حق و عادلانه توده ها، خیلی زود میتواند آنها را در برابر رژیم جمهوری اسلامی قرار دهد و اولین کسانی که بطور مستقیم در معرض این وضعیت قرار داده شده و در مسیر آنها جمع میشوند انقلابی فرارخواهند گرفت، همان ارکان های اجرایی رژیم و بخصوص ارکان های بالائی آن یعنی ریاست جمهوری اسلامی و کابینه دولت می باشد. تجربه دولت بازگان و رسوایی های اخیر "تیمت آزادی" و عناصروا بسته به آن، که "فریاسی" تعدادهای جناح بندی درونسی هیئت حاکمه و حفظ متناقض کل قدرت سیاسی شدند، نمونه ای از این "درس" های آموزنده برای روحانیون سهم در قدرت است. این رسوایی که سندی است این جریان و نیز کسل هیئت حاکمه را بخصوص در طی دوره ۹ ماهه قدرت کبری آن نشان میدهد، بدانجا کشیده حتی بازگان، رهبران جریان را مجبور به عدم شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نمود. البته این امکان "کنترل" و نظارت نیز از قبیل ویا تمویب اصل "ولایت فقیه" در بالاترین سطوح خود، پیش بینی شده است. بطوریکه حتی کاندیداهای ریاست جمهوری نیز با اذعان از "ولایت فقیه" گذشته و قبل از اعلام رسمی اسمی آنها موردناشید آیت الله خمینی قرار گیرند! ("آزاد بودن" انتخابات ریاست جمهوری، در منطق هیئت حاکمه نیز این چنین است!)

سوم اینکه، با توجه به نکات فوق بنظر می رسد هیئت حاکمه پیش از همه برای حفظ موقعیت و اعتبار خویش، در این بحبوحه رسوایی بی دربی عناصر آن، دست روی عناصری بگذارد که تاکنون بدلیل دوری از دایره اصلی قدرت اجرا و سیاسی و روئیدن ما هیئت آنها توانسته اند اعتبار و موقعیت سیاسی خویش را حفظ نمایند و در میان توده ها، هنوز "پرونده" شایعاتی را ندارند. در این میان **بنی صدر** این بورژوازی "عاقل" و "واقع بین" که "راه حل" های جدیدی و ظهوری برای نجات سیستم بهم یافته کنونی و نجات هیئت حاکمه در کیمه

دارد! - از نشان بیشتری برای موفقیت بر - خود را راست و احتمالاً جناح های قدرتمند رژیم نیز بر روی او انگشت خاوند گذاشت. حمایت های اخیر برخی بلوک های وابسته به روحانیت (هم چون جامعه روحانیت مبارز تهران) بر چنین واقعیتی دلالت دارد.

● شرکت در چنین انتخاباتی بقصد "دموکراتیزه کردن" آن، بیبازی گرفتن منطق طبقاتی، فریب توده ها و روی گرداندن از انقلاب، به مثابه ابزار اصلی کسب قدرت سیاسی و بهبودی واقعی وضعیت زحمتکشان جامعه است.

اما موضع کمونیست ها و سایر نیروهای انقلابی در برابر "انتخابات" چه باید باشد؟

از نظر ما، وظیفه آنها در یک کلام، طرد و افشای این انتخابات - انتخاباتی که بمنظور تثبیت یک رژیم ضد خلقی و ارتجاعی صورت می گیرد - می باشد و نه چیز دیگر! اصولاً مسئله شرکت با عدم شرکت کمونیست ها در انتخابات دستگاه دولتی یک رژیم طبقاتی معین، مسئله است که در درجه اول و پیش از همه، به تحلیل آنها از ماهیت طبقاتی سیاسی آن دولت، که قدرت سیاسی را در اختیار خود قرار داده است، دارد و در درجات بعدی، مسائل فنی، وضعیت جنبش توده ها، معادلات و تناسب نیروهای سیاسی و طبقاتی در جامعه، وضعیت جامعه و درجه توسعه جنبش - های وابسته به آن و... مطرح می شوند که اتخاذ تاکتیک صحیح از جانب کمونیست ها، در پرواز سیاسی دقیق و همه جانبه از مجموعه آنها میسر می شود.

تاکتیک شرکت از "بالا" در دولت های کاپوکار مل در بلوک ارتجاع و ضد انقلاب قرار دارد و بدلیل نیروهای مسلط بر آن دارای ماهیت ضد خلقی اند، هیوار و در هر شرایطی از نظر اصولی نامصحیح و ضدما رکسیستی است. رابطه توده های خلق با چنین رژیمیک رابطه آنتی-تأذیر است. منطق پروولتا ریا و زحمتکشان جامعه در قبال چنین حکومتی، منطق تشدید مبارزه طبقاتی، منظم و در هم کوفتن و بیرون راندن آن از این صحنه مبارزه است. رژیم کنونی ایران، بنا بر ماهیت طبقاتی ضد خلقی و ارتجاعی خود - همچنانکه در گذشته نشان داده ایم - نمی تواند از اذعان عملکرد چنین "اصولی" برکنار شود و ما از این روست که شرکت در ارکان های اجرایی دولت - تحت هر انگیزه و منظوری - بهیچ روی جا بزوا اصولی نمی باشد. بیشتر توضیح دهیم.

خیمه شب بازی انتخاباتی هیئت حاکمه برای انتخاب رئیس جمهور رژیم سیاسی آینده ایران، همانند تمام رژیم های ارتجاعی درسی رسمیت بخشیدن و قانونی کردن نهادی است که ابزار طبقات حاکم برای پیشبرد هدفهای طبقاتی آنهاست. و این نهاد با توجه به ماهیت نیروهای حاکم و سیاست متناقضی اجتماع سیاسی ایران، نهادی خواهد بود با ماهیت بورژوازی که در هاله ای از روئینا های خطامات کهنه، ارتجاعی و عقب مانده همچون "ولایت فقیه" پوشیده شده است. این نهاد با ماهیت دولتی، غیرمستقیم تمام مایهوی فریبکار را به بورژوازی و خرده - بورژوازی مرفه سنتی، داریبر "دفاع" از منافع

سنگردفاع از حقوق طبقات استعشارگرو ارتجاعی در برابر توده های زحمتکش تبدیل گسرد. "بورژوازی قدرت دولتی را به مثابه ابزاری در دست سرمایه دارها بر علیه پروولتا ریا و بر ضد تمام مردم زحمتکش بکار می برد. این حالت در اغلب جمهوری های دموکراتیک بورژوازی معادق داشته است. فقط خائنین به ما رکسیم این را فراموش می کنند." (لنین، "انتخابات مجلس موسسان و دیکتاتور پروولتا ریا، ص ۲۵) هیچ دولتی وجود نداشته است که مهر طبقه با طبقاتی را بر خود نداشته باشد. تئوری دولت "ما فوق طبقات" - چه این دولت در رسواترین شکل خود دفاع از منافع طبقات متمکربیرا دازد و چه در هاله ای از دموکراسی بورژوازی و بسا قدیمیت مذهبی یونان نداشته باشد - اکنون دیگر افسانه ای بیش نیست و طرح آن فقط بسرای یونساندن ماهیت طبقاتی "دولت" هاست که از سوی ارتجاع حاکم و یا فریبکاران نیرنگ با صورت می گیرد.

حتی "دموکرات" ترین حکومت های سرمایه داری نیز ابزار سلطه و حاکمیت بورژوازی ماحب قدرت است که قدرت ارتجاعی خویش را در ظرف ترین و پیچیده ترین اشکال حاکمیت خود، اعمال می کند.

رابطه توده های زحمتکش و خلقها با این ماهیت دولتی و ابزار طبقات متمکرو ضد خلقی رابطه ای است که میان طبقات مستعبد و انقلابی با طبقات ارتجاعی و متمکرو وجود دارد. رابطه ای که بر اساس آن وجود یکی در نفی دیگری و حاکمیت یکی در سرکوب دیگری معنای میدهد و این منطق همیشه تاریخ و مبارزه طبقاتی در برابر رژیم - های ارتجاعی بوده است.

کسب قدرت سیاسی بوسیله توده ها، نیاز طریق جبهه های به اصلاح دموکراتیکی که به وسیله رژیم های ارتجاعی، برای فریب توده ها و تاملین حاکمیت خود، در برابر آنها می - گشایند، تا بدین طریق موجودیت خود را ابدی سازند، بلکه از طریق نا بودی قهری ایسی دستگاه طبقاتی، از طریق درهم تنگستن ایسین ماهیت های دولتی - حتی "دموکراتیک" ترین نوع آنها امکان پذیر میسازد. وسیله چنین کسب قدرتی نیز چیزی جز انقلاب نیست!

دل بستن به اینکه از طریق شرکت در انتخابات رژیم های بورژوازی، پروولتا ریا و توده های زحمتکش بتوانند، قدرت سیاسی خویش را برقرار سازند، یعنی از طریق کسب اکثریت آراء در انتخاباتی که در سرمایه داری صورت می - گیرد، قدرت دولتی را بخود اختصاص دهند، و دولت های ارتجاعی را بکنار نهند، فریبی است

گزارشی از تجمع و راهپیمایی کارگران بیکارتهران

طبق دعوت نامه‌ای که قبلاً از طرف هیئت موسس اتحادیه کارگران پروژه‌ای پخش شده بود کارگران بیکار ساعت ۹ صبح در جلوی خانه کارگرم جمع شدند.

از زمان ابتدا بین کارگران بحث‌هایی مبنی بر اینکه چکار باید کرد و کجا باید رفت، شروع شد.

مطابق دعوتنامه قبلاً تصمیم گرفته شده بود که کارگران به وزارت کار رفته و بنا به بندگان آنها بدون مذاکره با عمال وزارت کار، از آنها بیخودند که به خواسته‌های کارگران جواب دهند لیکن عده‌ای از کارگران معتقد بودند که نباید به وزارت کار رفت زیرا طی چند ماه گذشته و بخصوص طی چند هفته اخیر، مقامات وزارت کار نشان داده‌اند که نه تنها نمیخواهند به خواست کارگران رسیدگی کنند، بلکه میخواهند با پاس دادن به این طرف و آن طرف کارگران را آلت دست خودشان قرار دهند. این عده معتقد بودند که دولت حامی سرمایه‌داران و وابسته، حتی حاضر به بازگرداندن درختان کارگری شده و از این طریق مانع جمع‌آوری اسامی کارگران بیکار شده است. وقتی این سرپرستان حاضر نیستند به کوچکترین خواست کارگران حتی در حرف قول مساعده دهند، چگونه میتوان با زهم به امید مذاکره با آنها نشسته و دنبال آنها بود. یکی از این کارگران می‌گفت: «بعلت این که تاکنون جوابی به ما ندادند، ما باید از طریق مبارزه فعال در بین رهنمندان تشکیلات واقعی خود را بوجود آوریم. تشکیلات ما در صورتی بوجود خواهد آمد که ما مبارزه فعال و مبارزه‌ای که عطا بق با شرایط فعلی و مرحله فعلی باشد انجام دهیم. دیگر ما نباید مثل سابق در قدم‌ها که به مقامات و نظرات محدود فعالیت کنیم، بلکه باید از طریق راهپیمایی در مناطق زمینکشان، مبارزه‌مان را هر چه فعالتر کرده و توسعه وسیعتری را جلب کنیم. حرف‌ها و خواسته‌هایمان را به توده‌ها گفته‌ایم تا بتوانیم همکاران را متشکل کرده‌ایم و هم تعداد کارگری بیشتری جلب نمائیم و با قدرت بیشتری با مقامات روبرو شده، خواسته‌هایمان

را مطرح کنیم...»

در همین رابطه عده‌ای از کارگران صحبت کردند. یکی از کارگران معتقد بود که کارگران باید در عمل اقدام به مبارزه ضد امپریالیستی نمایند و با مداره‌ها رتبه‌ها و خانه‌های سرمایه‌داران بزرگ و وابسته، اموال آنها را مصادره کنیم و فقط در خرابی‌ها و شکار مرگ برای امپریالیسم ندهیم.

در مقابل، عده‌ای از کارگران معتقد بودند که در حال حاضر کارگران آماج دگر این ابراندازند که سمت جنوب شهر و مناطقی زمینکشان نظرات هرات کنند، بلکه با زهم باید تنها وزارت کار را هیمنای کنند و خواهستهای خود را از مسئولین بخواهند. این کارگران معتقد بودند که با این ترتیب کارگران در مقابل وزارت کار قرار خواهند گرفت و آگاهی سیاسی شان بالا خواهد رفت. کارگری معتقد بود که ما از عمال دولت خواهسته‌هایمان را نماند، اما «نمی‌کنیم بلکه با زور و فشار زمین آزار آنها خواهم گرفت.

کارگری از دسته اول در جواب معتقد بود که: «... در شرایطی که کارگران بیکار و خانواده‌شان در فصل زمستان در بدترین شرایط زندگی میکنند، در حالی که اگر تا دیروز کارگران میتوانستند دست فروشی و دوره‌گردی و... لقمه‌هایی بدست آورند، امروز با این هوای سرد و برف هم از دست داده‌اند و مهمتر از همه در شرایطی که مثل روز روشن می‌بینیم که مسئولین وزارت کار نمیخواهند هیچگونه جوابی بمانند دهند، آیا با زهم کارگران را بدنبال اینها کشاندن بیجه معنی است؟ کارگران را در خوشبختی قرار دادن یعنی چه؟ مگر اینطور نیست که کارگرانی را که واقعاً مبارزه ضد امپریالیستی میکنند، مارک‌ها را خالگرو ضد انقلابی بآنها میزنند؟ ...»

در ساعت ۱۰ بود که کارگران بیکار کرج نیز بطور متشکل به صف کارگران بیکار تهران پیوستند و در این هنگام شعار «اتحاد، اتحاد کارگران اتحاد» تکرار شد.

بعد از آمدن کارگران بیکار کرج، کارگران به بحث‌ها ادامه دادند و مطابق قرار قبلی سمت

وزارت کار را هیمنای کردند. کارگران در حین حرکت شعارهای: «زن و بچه‌گرسته صبرش نمیشه مسئولین وابسته حرف برش نمیشه، بگفتند با زرگان کارگران بیکار برضد انقلابیست، با زرگان سازنگار همراهِ ما رودست‌ها، شوقد انقلابی آمریکا، اجتماع دشمن خلق ما... داده میشد. بعد از گذشتن از میدان انقلاب، طبق معمول عده‌ای مزدور اجیر شده به همراه عده‌ای ناآگاه دیگر بصف کارگران حمله کردند و شعار «حزب فقط حزب الله، هر فقط روح الله» اسلام پیرو است، کمونیست نابود است...» میدادند. اما کارگران جانانه مقاومت کردند و به راهپیمایی ادامه دادند.

در جلو وزارت کار قرار شد نما بندگان بدون هیچگونه مذاکره‌ای از مسئولین بخواهند که درخواستهای آنان را پاسخ دهند. لیکن عملاً مذاکره با آنها تحمیل نشد و آنها بدون هیچگونه نتیجه‌گیری بازگشتند. مسئولین وزارت سرمایه در زمینه‌ها خواسته‌های آنها چنین پاسخ دادند:

– کارایجا دخواهیم کرد!
– بیمه‌های شما مربوط نیست! به وزارت بهداشتی مربوط میشود.
– حقوق بیمه‌یگری برای مملکت زیان آور است، چرا که بدون کار بول پرداخت کردن، موجب تورم میشود. (این مزدوران آبانمی‌دانند که کم کردن از سود سرمایه‌داران و پرداخت آن به کارگران، موجب کاهش تورم میشود!) شما باید کار کنید تا بعد از (صندوق کمک بیکاران دایر کنیم و از آن طریق پول بدهیم!

در حین اینکه نما بندگان به بحث با عمال وزارت سرمایه مشغول بودند کارگران آگاه در پایشین به توضیح مسائل سیاسی و روزگار معی می پرداختند. این کارگران معتقد بودند که فقط با قطع سلطه و نفوذ امپریالیست که میتوان واقعا متشکل بیکاری را حل نمود.

در پایان قابل ذکر است که نما بندگان بدون هیچگونه برنا به مشخصی برای آینده، در برنا به بعدی را در روزیکشنبه هفته آینده، در جلوی خانه کارگر، تعیین کردند! در حالی که در عمل صحت نظرات کارگران دسته اول به اثبات رسیده بود! ■

گفتگویی با یکی از کارگران کارخانه برنز تهران

– ما کارها را خوب میکنند؟ گفت چیرزیادی نمیدانم، اما شنیده‌ام که توده‌ها آنها که کمونیستند به ممدی خیانت کرده‌اند. گفت مکی گفته توده – آنها کمونیستند؟ گفت خودشان میگویند. گفتیم اولاً اگر میخواهیم درباره‌ی شخص یا گروهی چیزی بفهمیم باید از جاهای مختلف درباره‌ی آن تحقیق کنیم، تا نباید حساب حزب توده که تنها در ظاهر از کارگردم میزند ولی در واقع بضع سرمایه‌دارها و اربابش روسیه‌کار میکند از حساب کمونیست.

آنچه که در زیرملاحظه میکنید خلاصه گزارشی است که یکی از رفقای کارگری کار هودار سازمان برای ما فرستاده است.

روز چهارشنبه (۵۸/۱۰/۵) برای یافتن کار به وزارت کار رفته بودم. جماعتی از زن و مرد بیرون وزارت کار جمع شده بودند به یکی از مردها نزدیک شدم و گفتم: «دادش، برای چی اینجا جمع شدید؟ گفت: چکار دارم؟ گفتم من برای کار اینجا آمدم، میخواستم بفهمم شما برای چی آمدید، چیزی جوابم نداد. با زامرار کردم. گفت: به ما گفته اند کسی صحبت نکنند، چون ممکن است کمونیست‌ها بین شما رخنه کنند و کارها را بشود. گفتم از کجا میگوئی کمونیست

هایی که طرفدار واقعی کارگران هستند و تا بحال با رها با نشا رخواستن در این راه صداقت و راستگوشینان را نشان داده‌اند. صدت کارگران که من مثل کسی که چیزی یادش آمده باشد برسد: در مورد شوروی چه میگوئی، آیا شوروی یک کشور کمونیستی است؟ گفتم شوروی یک زمانی کمونیست بود طرفدار واقعی کارگر. ان دنیا ولی حالا دیگر نیست! بعد از او را چه علت آمدنش به وزارت کار پرسیدم، توضیح داد که اینها که جمع شده‌اند، کارگران کارخانه برنز (تهران) هستند که بدنبال اعتصاب برای گرفتن حق مسکن، سود و بزه... وزارت کار بقیه در صفحه ۱۷

نان، مسکن، آزادی

بقیه از صفحه ۲۰ راهیما ش...

در ضمن راهیما ش یکی از کارگران مبارز سندیکا از فعالیت های چند ماهه سندیکا برای حاضرین گزارشی ارائه داد. در طول مسیر مردم مرتباً به نظر هر کنندگان می پیوستند.

سرانجام صفوف راهیما با سه مقابل سینما رگس آبادان رسیده و به احترام شهیدان سینما رگس یک دقیقه سکوت اعلام شد و سپس قطعاً همراه راهیما با آن قرا شد. در پایان کارگران و سایر نشاط هر کنندگان با شعار: "مرکز آمریکا" متفرق شدند.

در قسمتی از قطعاً همراه کارگران پیروزی آبادان وجود آمده است: "هرجا که میرا لیم آمریکا هست درهما نجا نیز مبارزه و فعالیت هست. چه از راه مبارزه میرا لیم از مبارزه ضد ارتجاعی جدا نیست. منارزات آزادبختی، خلفای و بنتام، لائوس، فلسطین، ظفار و ... نتا ندهنده این قاعده اند.

اینک که میرا لیم آمریکا به منا به دشمن شماره یک در مقابل ما قرار دارد و جنبش

امیرالیستی بوده های زحمتکش در اعتلا ست ما با پیدارتجا رب تاریخی درس بنیا موزیم و قاطعانه ویسی اما ن و بیگبیر و بطور خستگی نا پذیر بدون درنگ بقطع کلیه مناسبات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی با آن بپردازیم و تا زمانیکه این امر متحقق نگردد این مبارزه به فرجام نخواهد رسید و بیشترین فشار را بر گردیده ما زحمتکشان وارد خواهد کرد و در ویکی از عوامل عمده بی فرهنگی، فقر، بیماری و بیگاری و شهیدستی و کلیه مظاهر عقب ماندگی را در وجود این بیگانه ها نخواهیم دید.

ما کارگران پیروزی ای که بخشی از زحمتکشان این جامعه هستیم و سالها زیر ستا و استعمار شدید شرکتها ی چند ملیتی غاصب و سرما به داران وابسته و کارگران داد خلیان قرار داده شده ایم با درک رسالت تاریخی خویش با دیگران اسلام می کنیم تا قطع کلیه روابط و مناسبات سیاسی امیرالیست آمریکا از پای نخواهیم نشست و معتقدیم تا امیرالیست در ایران نفوذ دارد بحران بیگاری و عقب افتادگی نیز وجود خواهد داشت و حل بحران و ایجاد کار در گرو قطع کامل

وابستگی با امیرالیست آمریکا میباید شد. کارگران زحمتکش پیروزی آبادان و حومه در ضمن قطعاً سه ماهه ای خودخواهان ما در کلیه اموال سرمایه داران وابسته به شرکتها ی امیرالیستی و در رأس آن آمریکا به نفع زحمتکشان، افشا کلیه قرارداد های امیرالیستی و لغو آنها، لغو قانون کارخانگاری رژیم سابق و تدوین قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی کارگران، تامین حقوق بیگاری، آزادی کلیه کارگران زندانی که برای احقاق حق خود و سایر کارگران زندانی شده اند و در ضمن آن همچنین از خواسته های برحق و فدا امیرالیستی کارگران شرکت نفت، لوان (لاپکو) سیریب، بریمینگو، پان آمریکا، سوئیفر - ان و شرکت های حفا ری نفت که خواهان ما در زمینه ملی شدن شرکتها میباید شد و از خواسته های کارگران بیگانه پیروزی اسرا بران و از خواسته های عادلانه و برحق خلقهای ستمدیده ایران که خواهان حق تعیین سرنوشت خویش هستند، اعلام پشتیبانی و همبستگی کرده اند. بنقل از مجله محلی (کمیته خوزستان) شماره ۶

بقیه از صفحه ۱۶

آمده اند و حالاً بنده ها شان با کارفرما پیش معاون وزیر کار رفته اند. وی اضافه کرد: با وجودیکه بلوری صاحب کارخانه قبلاً ستاتور بوده و طرفدار شاه، تمیزد. نم چرا دولتی که ادعا میکند خاست زحمتکش است با زهم از او طرفداری میکند. به او گفتیم: مل، عمل دولت است نه حرفها ی بن. این همان دولتی است که از سرمایه داران فراری دعوت میکند که دوباره برگردند و سرمایه گذاری کنند. این همان دولتی است که به ضمن و نظرات کارگران حمله میکند. بنابراین اتفاقی نیست اگر این دولت از بلوری حمایت میکند. این دولت یک دولت سرمایه داری است و طبیعتاً است که از آدمهای مثل بلوری طرفداری کند. در این بین موقع نماینده ها روزارت کار سرگشتند، ناراحت و گرفته. یکی از آنها گفت: توحله بما گفتند که شورای انقلاب دستور داده است که از ۱۵۰ تومان بیشتر حق مسکن ندهید. کارگری که قبلاً با او صحبت کرده بودم به بقیه کارگران گفت: بزوریم شورای انقلاب، بقیه هم حرف او را نثارید کردند. موقتیکه داشت میرفت سوا رسوئیس شو به او گفتیم: اگر حالا نتوانستید نتیجه خوبی بگیرید ناراحت نباشید، فقط سعی کنید هر چه بیشتر به نیروی همبستگی خودتان متکی باشید. در ضمن وقتی شورای انقلاب خودش قوانین را تصویب میکند دستور داده که حق مسکن را از این دنگ کنند پس چرا با زهم و مراجه میکنید. کارگر گفت: نا بدحسای از او و غایب خیرنداشته باشند. گفتیم: علتش این نیست که شورای انقلاب خیرندارد، علت اینست که طرفدار روحانی سرمایه دار است. کارگر در حال سوار شدن به سرویس با نا بسا و ری بمن نگاه میکرد، هنوز به دولت امیدوار بود. موقتیکه میخواستم از او جدا شوم، گفت: دور نیست آن موقعی که کارگران، دوستان و دشمنان واقعی خود - شان را بشناسند. اتوقت کاری خواهد کرد، کارستان!

از کارگران بیگاری (اصفهان) متحصن در اداره کار حمایت کنیم

برادران کارگر!

حدود ۱۲ روز است که عده ای از کارگران مبارز پللی اکریل در اداره کار متحصن شده اند. این برادران کارگر که از بعد از قیام مهمن ماه بیگانه شده اند، تا اکنون هیچگونه جوابی از مقامات دولتی دریافت نکرده اند. اکنون نیز بعد از ۱۲ روز متحصن در اداره کار مقامات دولت هیچگونه توجهی به خواسته های آنها نکرده و تنها روز اول متحصن یکی از مقامات اداره کار اصفهان به کارگران گفته است که: "مسئله هیچگونه مسئولیتی در قبال شما ندارم". خوب میدانیم که بیگاری شتری است که در خانه همه ما خواهد بود. بیگاری دردی است که در بیرون زودا منگبیر همه ما خواهد شد. همین چند روز قبل بود که نمیمی از کارگران نا غل شرکت فلورا خراج شدند و بقیه هم بزودی به همبستن سرنوشت دچار خواهد شد. همه ما کارگران نا غل نیز با یستی در انتظار چنین سرنوشتی با شیم. برادران کارگر! همان مقام اداره کار حرف خوبی گفت، آنها در قبال ما هیچگونه

مسئولیتی ندارند. و این خود ما کارگران هستیم که در مقابل یکدیگر مسئولیم، ما هستیم که حمایت و پشتیبانی قاطع از مبارزات برادران کارگرمان مینمائیم. خواهستنها یما ن برسیم. بدین جهت از آنجا که این برادران متحصن ما به تنهایی نمیتوانند به خواسته های برحق خود که ایجاد کار رود ریفت غزامت بیگاری است، برسند و طبقه کلیه برادران کارگر چه بیگانه چه نا غل است که از خواسته های برحق کارگران متحصن "پلی اکریل" حمایت کنند و این وظیفه بیشتر از هر کس بردوش ما کارگران نا غل پلی - اکریل است که از خواسته های حق طلبانه برادران کارگرمان حمایت نمائیم. با حمایت بنبستن قاطعانه خود از مبارزات حق طلبانه کارگران پلی اکریل متحصن در اداره کار با حیل هسای سرمایه داران که کارخانجات را بیکی پس از دیگری تعطیل میکنند مبارزه کنیم. گروهی از کارگران پلی اکریل

بقیه از صفحه ۲۰

با زهم جنایت... کارگران نبودند و بیگانگان قاتلین که حاضر شدند برای تبرئه آنها یک میلیون تومان بپردازند از فتوادها "روزنامه ما مداد ۱۵ دیماه" و جالیست این استدلال را کسانیکند که در بسیاری نقاط کمیته ها بنان زیر نظر آنها و فتوادها اداره میشود! [لنا بر این کمیته مرکزی انقلاب اسلامی "با چنین استدلال نمیتوانند خون پاک این شهیدان را لوث کنند و خلق غلطه فرزندان شهید خود را گرامی خواهد داشت و مبارزه خود را بر علیه امیرالیست و ارتجاع بیش از پیش شدت خواهد بخشید.

بقیه از صفحه ۷

دهقانان مبارز... "میرا با د" تمام بگیرد تا ضمن انتقال تاجر - بیات مبارزاتی و کمک به یکدیگر، متحصن در توطئه های مالکین را درهم بشکند. عه همیشه بن با خا طرفدار شده باشد که حفظ و نگهداری کامل دستا وردهای مبارزاتی و انقلابی شما، رسیدن به آزادی، برافه و ترقی واقعی، ممکن نخواهد شد مگر اینکه اتحاد مستحکم و با یداری که با کارگران و سایر رحمت - کشان شهری برقرار می کنید، امیرالیستها و بخصوص امیرالیست آمریکا و عوامل داغلیسی آنرا درهم کوبید و حکومت واقعی کارگران، دهقانان و دیگران قشار زحمتکش را بسپارید.

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بر مدیریت کارخانه میباشند

گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد باقر عباسی

" خاکستر را

با دسر گهان

هر جا که برود

مردی ز خاک روشید . .

سخن از رفیق شهید باقر عباسی است که عاقلانه در راه‌های زحمتگشان مبارزه کرد ، با آنان نشست و ایستاد و در راه‌ها نشان عجب گشت ، به انقلاب مهیج آزادی آورد ، زندان افتاد و با عشق و امید آزادی زحمتگشان و نجات قریبا سالیان جامعه طبقاتی مادر خون خویش در غلغله ای از هزاران ستاره آسمان انقلاب دیکر انیک - مدامیرا لبستی مهبین ماست . ستاره ای سرخ و تابناک که درخشش و شروع سبانی خود را در راه‌های طبقه کارگری - دست ، او را زبیتقرا و لان جوانان مبارز با سوسی مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی طبقه کارگری بود .

رفیق شهید باقر عباسی در سال ۱۳۲۵ در تهران سن قم در خانواده ای مذهبی بدنیا آمد . دوره اول متوسطه را در قم گذراند و سپس به تهران آمد . مدت ۲ سال در دبیرستان طوی به تحصیل اشتغال داشت ولی به علت فعالیت‌های ضد رژیم ناچار در سال ششم را در دبیرستان علمیه گذراند . عشق و علاقه آتشین او به خلق ، به کودکان لاغر و حیض جنوب شهر (که خود آنها را "دوگی" می نامید) و کینه سرشارش به رژیم غارتگر و جاگیرکنان ریشه‌های آن زمان - ستین سو - جوانی ، وی را به مبارزه کشاند .

۱۷ ساله بود که بیک جریان مبارز مذهبی که فعالیت مخفی داشت (حزب ملل اسلامی) پیوست و پس از کشف شبکه مخفی این تشکیلات با شیز ۴۳ در زندان انفرادی در زندان دکا به ۳ سال زندان محکوم گشت .

زندانی برای او مدرسه بود . نحوه مبارزات را مورد مطالعه فراوان و عمیق تر و با تجربه تر کردید . عشق به خلق و کینه به دشمنان خلق و تجربه مبارزاتی ، او را آبدیده تر می ساخت . رفیق باقر ، با غریب ستاره های انقلابی خود دل زندانیان را با ملل را در دو با مقاومت خود نشان میداد که غل و زنجیر و شکنجه هرگز مانعی در راه راه‌های رفیق باقر عباسی نبود .

بلافاصله بعد از آنکه محکومیت او را به سرزای بردند ، با فرار سر باز صفر کردند و به بدآب و هوای ترین مناطق فرستادند و به تاقترین کارها واداشتند . هدف درهم شکنش روحیه مبارز او بود . اما با قرائن انقلابی بود و روحیه انقلابی ، تنگت را پذیرفت .

با فرار در دکان ، شاه دهجه بسیار تبعیضها و حساسیت‌هایی بود که در حق رفقای ستم دیده ، سر - بازش رو میدادند و به وحشیانه ترین شکل ممکن آنها را به بیگاری میکشیدند و بدینسان کینه آن آبدیده تر میکردید و شعله انتقامش شعله و تر . به علت فرارهای مکرر و سرپیچی از او را مرزورگویا نه به معنی از اسران ، شش ماه به خدمت اشافا نه کردند . اگر چه به پیش عمیق او در مسائل اجتماعی و شجاعت فوق العاده اش نظامیان را با احترام و امید داشت ، ولی به علت ترس از این عنصر انقلابی بیباکانه ای متعدد تبعیدش میکردند . بعد از سرزای او دوباره به



مبارزه پیوست و با پشتکار و خستگی نا پذیر و با تمام نیروی خود تلاش میکرد .

نه سال مبارزه بیگنیرا قریب محور داشت بیشتر تلاش کردن ، بیشتر تجربه آموختن و تجربه را بکار بردن .

وی پس از سرزای ابتدا با یک گروه انقلابی همگامی میکرد ، ولی به زودی دریافت که دنیا به شکل فعلی استوار تر و متشکل با فتنه تری دارد . بدین سبب پس از تفهیم گروه با چندتن از رفقای سابق با زمان " مجاهدین خلق ایران " پیوست .

برای رفیق باقر در آن شرایط ، مبارزه انقلابی علیه رژیم محور فعالیت محبوب میشد لذا علیرغم پذیرش مارکسیسم - لنینیسم به مبارزه انقلابی خویش از کمانال سازمان مجاهدین خلق ایران ادامه داد . هر چند درک او از مارکسیسم هنوز پیدان چند بود که به لزوم تشکیلات مستقل برای کمونیست‌هایی برده باشد رفیق باقر طریقه نشدیش به دشمنان توده ها و شهامت و قاطعیت توده های آن سرعت مستدار سازمانی را طی کرد و در مدت فعالیت درون سازمان سمبل پرکاری و مقاومت بود و قیاس از اینکه فرصت تجدید نظر در پیشرو مبارزه اش را پیدا کند علیرغم آنکه به تهاذای درونی این اش - بی برده بود گرفتار را ما واک شد .

او به دنبال دزدان سنگاهای رفت ، نه بدنبال شغلی و زندگی ای ، وضع لباس و خوراک و زندگی او ساده تر از هر کارگر فقیری بود ، ولی بلافاصله پس از سرزای بدون اینکه از نظر پلیس شناخته شده باشد ، زندگی مخفی را انتخاب کرد تا هر چه از دسترو بگیرد در راه مبارزه گام بردارد .

فداکاری و گذشت ، تحمل ، مقاومت از ویژگیهای او بود . هر خطری را با وظیفه نامی - پذیرفت ، گویی خطر برای او مفهومی نداشت ، بطوریکه در این زمینه ، مورد انتقاد قرار می گرفت . با فرار از زیرکی و چالاکای خامی برخورد از بود ، او را بیباکی و ریسک در زمان شهادت مجاهد قهرمان " احمد رشاد " در حدود ۳۰ اعلامیه مربوط به شهادت احمد را در کوچه و خیابان در آن جویلیسی ، تک تک بمردم میداد و همچون سابه ای گریزان لحظه ای بعد از شری از با قریب نبود ، او در

هیچکاری از خود عجز نشان نمی داد و همیشه متکلمترین کارها را به عهده میگرفت و آنرا به بهترین صورت انجام میداد . رفقای انقلابییش را چون جان دوست میداشت و رفقا زهرمهر و عاطفه اش همیشه محیطی پرا ز صمیمیت ایجاد میکرد .

او هر وقت فرصتی می یافت با او مشگناه خویش میگرفت ، آرا مشگناه و قلب توده بود . جوشیدن و مهرا و با این ستمدگان حاکمی از احساسات پاک و انسانی او بود ، او در میان آنان رسالت خویش را می یافت ، با عطف و است و آفری برای بچه های لاغر جنوب شهر داستان می - گفت و با خرید بستنی لحظه ای دل آنها را شاد میکرد و خود از شادی آنان غرق در شغف میگردد . عمل قهرمانانه و انسانی او در بر خورد مسلحانه خیابان آب منگل با شیز ۵۵ نشانده بارزی از عشق او بمردم و کینه نسبت به دشمن بود . در آن روز با قدری خوردن با یکی از افراد دشمن که قصد با زسی بدنی او را داشت ، او را خلع سلاح میکند و اسلحه اش را بر میدارد . در این موقع که با قدری صراحت مره تعداد دشمنان از عوامل دشمن بود ، با اسلحه ای که از دشمن تاحب کرده بود دست بمقاومت مسلحانه میزند .

کستردگی حلقه محاربه او را داشت ، هدف گلوله - پس با قرائن آخرین گلوله مقاومت کرد و بسک دانشجوی پلیس که قصد دستگیری او را داشت و همچنین یک عنصر شرور و خود فروخته را که او هم قصد تعقیب و دستگیری او را داشت ، هدف گلوله - های خود قرار میدهد . با قدری این لحظه با اینکه بدو عدد نارنجک دستی مسلح بود ، ولی به علت اینکه انفجار نارنجک با نت کشته شدن عده ای از مردم میشد از بکار بردن آنها خودداری کرد و درین موقع بغا طراپا بنکه زنده دست دشمن نیافتد ، با قرص سمی اقدام به جانی میکند . با قدری این حالت که سم پند ریج در بدن او تاثیر میکرد برای مردمی که در اطراف او بودند نیک سخنرانی کوتاه کرد که نشان عظمت روح انسانی او و عشق عمیق او بمردم بود ، و چنین گفت :

" مردم ، من جان و جوانی و همه چیز خودم را در راه شما داده ام ، با اینکه الان دنیا نارنجک دارم که هر کجا میبرای کشتن همه شما کافی است ، ولی من آنها را بکار نمیبرم . چه کسی را بکشم؟ شما را ؟ محال است . من چگونه میتوانم مردمی را که همه چیز مرا در راه آنها داده ام بکشم؟ نه برادران ، نه من هرگز چنین کاری را نمی - کنم " . سپس شروع به توضیحاتی در مورد هدفهای انقلابی و انسانی اش میکند . در این موقع یکی از دیده چشمان او ساواک او را که دیگر توانسی نداشت ، زیر کتک و مشت و لگد گرفت . در این موقع مردمی که اطراف باقر جمع شده بودند و سخنان وی قلب آنها را لرزاند و روشن کرده بود ، بخشم آمده و بر سر آن قاتل دیده چشم ریختند که با فرار از دست او نجات دهند .

سرانجام با قریب با سارت در آمد . سالیم ماندن همه اطلاعاتی که او داشت و اینکه قرار - ها بش را با رفقای پیش بدست دشمن نداده بود ، برای ما شکی باقی نگذاشته بود که با قدری از سم با شکنجه شهید شده است . رفقای با قریب آسودگی تمام به مدت سه ماه در محدوده اطلاعات با فر رفت و آمد میکردند . حتی در زندان و نیز خانوادگی برای او مرا سبها تهاذ گدا شدند ، ولی بقیه در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه اول
"حذف بهره" و آنها ...

کشا ورزی و تجاری نقش فوق العاده مهمی در مناسبات سرما به داری بسود انحصارات امپریالیستی و مثنی سرما به دارو بسته ایفا کرده و می کنند (۱). رشد توسعه با نکها ، ایسمن موسسات غارت و استثمار در ارتباط نزدیکی با رشد توسعه وابستگی و توسعه سرما به داری وابسته در کشور ما بوده است . نقش با نکها در ایجاد تورم و گرانی ، بحران ممکن ، نسعیم وابستگی به امپریالیسم ... بیوز به در سالهای اخیر گمترش فوق العاده ای یافته است و نشان این امر همان تشکیل با نکها و شعب جدید است که چون قارج در سالهای گذشته زمین می روئید (۲) . ما در باره نقش با نکها در بحران ممکن و تأثیری که این موسسات غارتگر در بالا بردن هزینه ممکن ، آچار خانه و ... دانشند در مقاله "رشته های بحران ممکن در ایران" صحبت کرده ایم و اکنون نیزنگاهی مختصر به دیگر جنبه های فعالیت این موسسات برای روشن شدن اینکه هیئت حاکمه امروزه سیاستی در قبال با نکها در پیش گرفته است ضرورت دارد .

در سالهای گذشته همه خوبی سلطنتیات رنگارنگ و برهیا هوی با نک ها را برای حدب پس اندازهای مردم بخاطر دارم . حدب این پس اندازهای کوچک مردم به بانک ها اسامان را میبندد تا سرما به خود را افزایش داده و با دادن اعتبارات به سرما به داران بزرگ و وابسته و دریافت بهره های کلان (که در واقع بخشی از سود آن سرما به داران بوده که از استمار طغنه کارگرو در حرمتمکان بدست می آمد) نقش غارتگرانه خود را در خدمت به سرما به داری وابسته به امپریالیسم ایفا کنند . بسعنوان مثال در سال ۵۵ جمع سپرده های بانک ها به ۳۲/۸ میلیارد ریال و مقدار وام آنها به ۳۲/۳ میلیارد ریال رسید که در مقابل به سال قبل یعنی فقط در مدت یکسال رشدی معادل ۳۰۰ درصد داشته است ! در حالیکه با نکها در صدام جزئی به سپرده های کوچک مردم می دادند . همین با نکها نرخ بهره -

(۱) - لازم به تذکر است که در خود کشور های امپریالیستی با نکها بهر حال در ارتولید نقش مستقیم دارند در حالیکه در کشور وابسته ای چون کشور ما با نکها آن دستگاه های هستند که در پاسخ به نیازها و سیاستهای سرما به امپریالیستی مستقیماً جهت سرما به گذاری ها را بسوی رشته های غیر تولیدی و انگلی (چون خرید و فروش و واردات ، بورس بازی و ...) بسوی می دهند .

(۲) - در این مورد لازم به تذکر است که تنها در سال ۱۱۵۵ با نکها اقدام به ایجاد ۲۰۳ واحد بانکی در سراسر کشور کردند بطوریکه در این سال تعداد کل شعب بانکی موجود در کشور بالغ بر ۷۶۷۴ واحد گردید و با اینکه در عرض مدت ۶ سال (از ۴۸ تا ۵۴) شعبه های بانکی بازرگانی و صنعتی از ۲۵ به ۳۵ رسیده و تعداد شعب آنها نیز در همین مدت رشد بسیار یافته است .

های کلان برای دادن اعتبارات و وام مدزیا مست می گردند بطوریکه نرخ بهره معاف شده در تهران ۲۱٪ ، در اصفهان ۱۸٪ ، در تبریز ۲۲٪ و در شیراز به ۲۴٪ می رسد . و این براساسی ارقام حیرت آوری است که چنین موسساتی بدون اینکه حتی کوچکترین شرکتی در ارتولید داشته باشند به چنین سودهای کلانی دست می یابند . همراه با رشد فعالیت با نکها و حجم عملیات آنها ، هزینه کار مزد و نرخ بهره های بانکی یا لا می رفت تا حائثی که بهره شتزیل یافته و برات تا حدود ۱۳٪ و بهره صندوق های ممکن اکباتان و کورش به ۱۶٪ رسید (در مقابل در بافت ۳۹۴ هزار تومان وام ممکن ، متقاضی با سستی حدود ۸۵ هزار تومان در عرض ۱۵ سال بپردازد !) و با مثلاً با بانک تهران با سرما به ۵۰۰ میلیون تومانی در سال ۵۵ بالغ بر ۱۳۳ میلیون تومان (یعنی نرخ سود ۲۴/۶٪) و بانک صامع ایران حدود ۳۰۰ میلیون تومان سود داشته اند . ومع با سسر بانک ها نیز همین ترتیب بوده است . نقش انگلی این موسسات غارتگر در جنبه دیگری از فعالیتشان نیز نمودار است . بدین صورت که در سالهای اخیر سوزده از زمان افزایش درآمد نفت (۵۳) اغلب اعتبارات با نکها در زمینه های غیر تولیدی (نظیر اعتبارات و وامهای کلان برای ساز و بفرش در زمینه بورس بازی زمین و ساختمان سازی ، در زمینه وارد کردن اجناس وارداتی از خارج کشور توسط بازرگانان وابسته و ...) بوده است . که این امر خود سهم بزرگی در رشد تورم و تحمیل فتنه بردش بوده - های مردم داشته است . برای نامین ایسمن اعتبارات عظیم و در جهت حتمین منافع کثیفی سود که ما نکها دائماً احتیاج به افزایش نقدیگی دانشند و از آنجا که ما سمن این سرما به تنها ما نسلغات کسب کرده برای حدب سرما به های کوچک مردم مسترسود ، با نکهای مختلف پس از پیش به بانک مرکزی روی می آوردند با دریافت وام و از این بانک ما در سرما به خود بهر از دست نداشتن برای انجام این معاملات با زسیر ناعد . وابستگی به بانک مرکزی که در واقع صاحب دخال ثر ملی ایران بوده مفهوم آن بود که بورژوازی و بوروکراسی کمپرادور ایران تمام منافع تولیدی و ملی را در اختیار بانک های بخش خصوصی و وابسته قرار می دهد تا نقش سنگین خود را در رشد سرما به داری وابسته ایفا کنند . بسعنوان مثال پس از افزایش درآمد نفت در سال ۵۳ با نکهای تخصصی ا حدود ۲۰۰ میلیارد تومان بولی که در اختیار دانشند بیش از ۹۰٪ (۱۹۳ میلیارد تومان) آن از درآمد دولت و اعتبارات دولتی و فقط مقدار نا جزئی از محل سپرده های انحصامین نامین نده بود و این پول شما بسعنوان وام و اعتبارات صنعتی و کشاورزی در اختیار بازرگانان و صاحبان صنایع وابسته و مونتاز قرار می گرفت . نقش با نکها به لحاظ وابستگی مستقیم - تان به انحصارات امپریالیستی نیز بسیار قابل توجه است زیرا که تمام با نکها بطور مستقیم وابسته به انحصارات امپریالیستی اند .

بقیه از صفحه ۱۸
کرامی با دخال طره ...
بعد از سه ماه از کوشه و کنا رخبر رسید که با قرضنده است . این خبری شورا بنگیز بود . معنی این خبر آن بود که سه ماه تمام شکنجه های سبانه نتوانسته بود لب را زدا را قرا بکتابد . ما بکبار دیگر تا هجده ماه بهر شور و انسانی بکسی دیگر از رفقای خود بودیم که با ما و میت دلیرانه خود دشمن را به عجز آورده بود و با سرتییب با رد بکرا شبات کرد که میتوان حتی در سختترین شرایط و در زیر وحشیانه ترین شکنجه ها لب از لب نکشود و تسلیم دشمن نشد . با دلدلیری و مردانگی اش جا و دانه باد .
رفیق شهید با قریبای به ما هیت فرصت - طلبان آن شنایی داشت و برای همین با اینکه همه میدانشند که وی عوضاً رکیست - لنینیت ما زمان ما هدین است ولی از طول خود بارها به زندانیان دیگر بیفایم میداد که او بسنگ کمونیت است تا بدینوسیله راه را برای هرگونه تحریف هیئت ایدئولوژیک که امروزه ما بسیم چگونه رایج گشته است بر بندد .

رفیق با قریبای را با ما هد شهید محمد مفیدی ، دلادر دیگری که سراپا قهر انقلابی بود در سحرگاه ۲۱ دیماه ۵۱ تیرباران کردند . برای آنها حتی آن خیمه شب بازی بنا ندادند . گره رژیم اعدا کرده که آنها را به سرباز اعدا محکوم کرده است . آنها از محاکمه این انقلابیون میبهراسیدند ، چرا که وی در سرخوردنهای میشز و نیز در جریان با جوشی به آنان آموخته بود که در دادگاه چه خواهد گفت .

بیروز با مسازات انقلابی و پیگیری رگران و زحمتکشان
درویشهای بخون خفته خلق

بسعنوان مثال سه ماه بعد از آنکه توسعه صنعتی و معدنی ایران و بانک ایرانین ، با نکهای آمریکا شی وابسته به گروه مالی راکفلر نند (این با نکها شامل فرست ناشال سیتی بانک ، بانک سیتی نیویورک ، بانک آمریکا ، ... هستند) . همین گروه مالی امپریالیستی بود که در اوایل سال ۵۶ برای رژیم شاه وامی به مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار تهیه کردند . این مسئله از آن جهت قابل توجه است که رژیم چنانیکه سابق هنگامی بسا بهره های سنگین از انحصارات امپریالیستی وام می گرفت که خود از سوی دیگر مانع هنگفتی از آنها میبکند ، برای امپریالیستی را برای جلوگیری از ورشکست شدن آنها خریداری میکرد !
سرما به گذاری امپریالیست ها در تاسیس بانک های خارجی نیز انجام می گرفت که نمونه آن تشکیل بانک ایران و ژاپن ، ایران و هلند ، ایران و عرب ، ایران و انگلیس ، شعب بانک چیس ما نشانان و ... بود که چون قارج از زمین می روئیدند .
دنباله دار ...

همه قراردادهای اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!

تبریک سازمان به خلق قهرمان فلسطین

برادریا سرعفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین وفرمانده کل نیروهای

انقلاب فلسطین

با نهایت مسرت ،پانزدهمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین را به شما وبه کلیه نیروهای انقلابی فلسطینی وبویژه نیروهای عامه وخلق مبارز فلسطین تبریک میکنیم .

هرچه زمان میگذرد ،بیوندربرادران بیسین خلقهای ایران وفلسطین که زاده راه مشترک خلقهای دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم صهیونیسم وارتنجاع است استوارتر میگردد . این بیوند سرنوشته ساز تا آزادی کامل فلسطین و نابودی سلطه امپریالیسم در سر منطقه ادامه خواهد یافت .

خلقهای استمدیده ، مبارز و قهرمان ایران که در انقلاب دمکراتیک خویش با واژگون کردن رژیم شاه ، سر برداشتن کی برپیکرا میریالیسم صهیونیسم وارتنجاع زدند ، همچنان دونا دونا خلق فلسطین در راه تعمیق هرچه بیشتر انقلاب دمکراتیک خویش به پیش میروند و یقین دارند که روزی شاهد سرنگونی دولت دمکراتیک فلسطین برپروانه دولت صهیونیستی اسرائیل خواهند بود . پیروزی ای که با ادامه پیگیری انقلاب ونیروی رزم آوران و حمایت توده های زحمتکش فلسطینی میسر خواهد گشت .

انقلاب تا پیروزی

پیروز باد مبارزه خلقهای استمدیده منطقه اول ژانویه ۱۹۸۰ (۵۸/۱۰/۱۱)

" سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

باز هم جنایت ارتجاع!

دو تن دیگر از جناح مبارز و مترقی میهنمان ، برادران مجاهد احمد عسکری سروستانی و عبدالحمین عسکری سروستانی ، قربانی جنایات وتوطئه های ارتجاعی هیئت حاکمه گشتند . این دو مبارز در تاسمان گذشته در جریان یک درگیری محلی که به قتل دونفر منجر شده بود دستگیر شدند طبق بیانیه سازمان مجاهدین خلق درگیری با توطئه تحریک آمیز عوامل ارتجاع بر علیه یکی از دو برادر شهید ترتیب داده شده بود .

دا دسرای انقلاب اسلامی شیراز در جریان محاکمه احمد و عبدالحمین عسکری را به اعدام و برادر سوم آنها را که امولا در جریان درگیری داخل نشانی شده است به حبس ابد محکوم میسازد . حکم اعدام بعلمت سابق مبارزانی دوما همد موردا اعتراض سپاه پاسداران شیراز قرار گرفته و بتعمیق میافتد . سپس آنها را به قم منتقل میکنند و علیرغم وعده ای که برای تمهین و کیل به خانواده و دوستان آنها داده میشود ، بسدون خبردن تاریخ سه شنبه سوم دیماه حکم اعدام دستور دادگان انقلاب اسلامی قضا اجرا گشته میشود .

جهان پهلوان تختی ، یادت گرامی باد!

تواند رسیدن های گرم خواهی زیست تو با انبوه پاک مردمان خوب قلب شهر خواهی مانسد .

۱۷ دی ماه اعمال معادفات بسا

دوازدهمین سالگرد شهادت غلامرضا تختی قهرمان کشتی ایران بیدست ما مورسین جلداسا واک چه بسپه زده رژیم کوشیده که شهادت این قهرمان ملی را خودکشی اعلام کرده ، خاطر هوارا از ذهنستان توده ها پاک نماید .

تختی در شهر پیورما ۱۳۰۹ در محله فقیر نشین خانی آبا دهنران بدنیآ آمد و دوران کودکی را با رنج ومشقت سپری نمود . با رزترین خصوصیت تختی عشق اوبه توده ها وزندگی با آنها بود . چرا که او خود را جزئی از آنها می دانست و با پوست و گوشت خود در درون جانشان احساس میکرد . تختی ورزش کشتی را در خدمت اهداف سیاسی ومبارزه با رژیم شاهنشاهی پیروی قرار داده بود و همین امر بود که او توانست جای خود را در قلب توده ها بگشاید . شهادت ایسن



قهرمان ملی انگیزه ای برای مبارزات توده ای که پس از سرکوب خویش ۱۵ خرداد ۴۲ فروتن کرده بود ، گردید . در مراسم چهارم این قهرمان شهید پیش از نیم میلوسون نفر شرکت کردند که این امر در آن امانهای سرکوب وخفان نمایش عظیمی بود که مستقیماً در برابر پهلوی ورژیم مزدور سلطنتی راه هدف قرار داده بود . این تجمع عظیم توده ای که با شمارهای منحصرافشاکننده منجر به زد و خورد با ما مورسین رژیم گردید تا برای بود برای حرکات مبارزاتی وسیعتر گشته در سالهای سعد اوج بیشتری یافت . ما به همراه همه خلقهای استمدیده ایران ، خاطر ه این شهید قهرمان را گرامی میداریم .

حمله به میتینگ فدائیان خلق را محکوم میکنیم!

چنین صحنه های دردناکی هستیم که متخماً به تحریک باندهای ارتجاعی حاکم و باغبار ناآگاهی و کربانتا کور مذهبی در میان افشاری از توده ها صورت میگیرد . لیکن امروز هیئت حاکمه میکوشد با صلاح " مبارزات ضد امپریالیسم " خود را وسیله و محملی برای طمس جریانهای انقلابی و مترقی که ما رزوه واقعی علیه امپریالیسم از زمان رزوه علیه سرمایه داری وابسته وارتنجاع داخلی جدا نمیدانند . در دهه های این اعتبار رضا جریانهای مبارزانه و انقلابی مردم ، نیروهای کمونیست و انقلابی را بسپه ضدیت با با صلاح " مبارزه ضد امپریالیسم " یا بن سرکوب کند . امروز افشای توطئه های تحریکات هیئت حاکمه وظیفه بسیار حساس و مهمی است که در کنارت شرکت فعالانه در مبارزات ضد امپریالیسم توده ها بردوش کمونیستها و تمام نیروهای انقلابی قرار دارد .

درافشای توطئه های امپریالیسمی و ارتجاعی هرچه مممما نه تریه پیش!

عمر جمعه ۱۴ دیماه ، دانشکده پلی تکنیک : در اجتماع که از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق و در رابطه با افشای اسنادی از سازشها و خیانتهای هیئت حاکمه برگزار شد ، اوباشان و جماعت بدستان حرفه ای با ردیگر صحنه ای فجیع و در عین حال ، دردناک را آفریدند ، مهاجمین با چهره های برافروخته و سرشار از تعصب کور خود تنها به دادن شمارهای مبتذل وفدا انقلابی علیه کمونیستها بسنده نکردند . آنها با سنگ و تکه آجر و چوب و هر چه در دست داشتند به جمعیت حاضردان دانشکده حمله ور شدند . بدنیال این شاهم وحشیانه بود که زد و خورد خونینی در گرفت که منجر به مجروح شدن دهها تن از مردم گشت (از رقم دقیق مجروحین اطلاعی در دست نیست) . در پی آن دفاعات دانشجویان با پیشگامان و دانشجویان هوادار سازمان پیکار در دادگاه دانشکده پلی تکنیک نیز مورد هجوم وغارت وحشیانه این عناصر مرتجع و نا آگاه قرار گرفت . برای نخستین بار رتیمت که شاهوقوع

این عمل ارتجاعی مورد اعتراض وسیع نیرو های دمکرات و انقلابی و دانشگامان مترقی قرار گرفته است . اوتوطئه های خائنه و جنایتکارانه هیئت حاکمه پیش از این نیز از نیروهای کمونیست ، انقلابی و دیگر کرات بسیار قربانی گرفته است . در اینجا نیز کسانی که دستشان به خون این جوانان آلوده است وقتی با اعتراض بحق نیروهای مبارز و انقلابی توده ها روبرو میشوند ، شروع به دروغ گفتن میکنند . همان کاری که خلقالی جلداسا از اعدام موبشهادت

این عمل ارتجاعی مورد اعتراض وسیع نیرو های دمکرات و انقلابی و دانشگامان مترقی قرار گرفته است . اوتوطئه های خائنه و جنایتکارانه هیئت حاکمه پیش از این نیز از نیروهای کمونیست ، انقلابی و دیگر کرات بسیار قربانی گرفته است . در اینجا نیز کسانی که دستشان به خون این جوانان آلوده است وقتی با اعتراض بحق نیروهای مبارز و انقلابی توده ها روبرو میشوند ، شروع به دروغ گفتن میکنند . همان کاری که خلقالی جلداسا از اعدام موبشهادت

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست